

پیکار

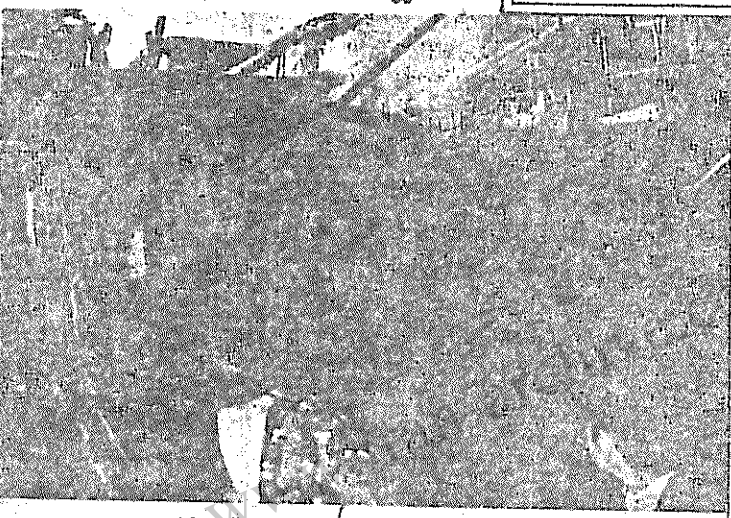
سال دوم - دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ - پیاپی ۲۰ ریال

کردستان قهرمان همچنان پرچم سرخ و خونین انقلاب را برافراشته نگه داشته است. ارتجاع زبوانه میگویند باید به باران شهرها و روستاها این خلق قهرمان رابه زانو درآورد اما خلق کرد فریاد میکشد: «هرخانه مان یک سنگری، هر دستمان مسلسلی هر قلبمان نارنجکی، اگر همه کشته شویم، خلق سلاح نمیشویم»

پورش به کردستان با تاکتیهای نوین

تگاهی به تاکتیهای سیاسی - نظامی هیئت حاکمه در کردستان

موظفان مبارز ا...
در ده هفته است که کردستان قهرمان در مقابل تهاجم همدجانبه پاسداران و ارتش ضد خلقی که از زمین و هوا صورت میگیرد در برابر مقاومت میکند. ده هزاره ۲۲ ماهه بر شهرها می بارد، ده گلوله های توبی که تمام خانه های مردم نروود می آید و نه حتی پاسداران فاشیستی آمریکا حتی هیچکدام نتوانسته است مقاومت عادلانه خلق کردستان را بشکند. این حملات جناحینک را که بدستور هیئت حاکمه و بدست فرماندهان ها می که در میان شاه نیز دستشان بخون خلقهای ما آغشته بود، صورت می گیرد، با وجود اینکه تاکنون هزاران زخمی و مدتها کشته از خلق کردتربانی گرفته بشده در صفحه ۱۱



ارتش و پاسداران خانه و کانه آنها را با بمبهای آمریکائی درهم کوبیده اند، اما خلق کرده مصمم است آنها را محکومتر از دفعه قبل بسازد و از آن بعنوان سنگری در برابر تهاجم ارتجاع استفاده کند!

جامعه ما به کدام سو می رود؟

بورژوازی ایران تنه راه «نجات» خود را در «جنگ داخلی» ورود و رو قرار دادن خلق در مقابل یکدیگر یافته است

کورما شرایط حساسی را از سر یکدرات، حملات اساسی این شرایط شدت گیری رورافزوز بحران سیاسی در جامعه است، عملکرد و دامن گرفتن انبوهی از تضادهای اجتماعی و سیاسی، داخلی و خارجی در آن واحد و بیوستگی آنها به یکدیگر و رسیدن به مرحله پیچیده ای را برجا میگذارد که در آن طبقاتی و ملی میان طبقات زیر دست و بیادست، روند دامن سبها و درگیریهای جناحی مختلف هیئت حاکمه کنترش بوطئه های امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپا نشین بر علیه خلقهای ایران و تعدید حرکات تهاجمی و زکا را نه آن شدت بحران سیاسی میان دولت آمریکا و ایران، افزایش بحران سیاسی میان ایران و عراق و... طیفهای متعدد سلطه زحیم تر تضادهای هستند که جدا جدا در مسیر پرشتاب یک بحران همدجانبه سیاسی و اجتماعی بدینیت میراند. دریا مامیت و عملکرد هر یک از این تضادهای در گذشته سخن گفته ایم، اکنون میخواهیم بدانیم که جنبه در صفحه ۱۱

اول ماه مه در شهرستانها چگونه برگزار شد؟

گزارشی از شهرستانها: مسجد سلیمان، شیراز، قاشمشهر، قزوین، آبادان، اهواز، محمود آباد، هشتگرد
صفحه ۵ و ۶

حمله به شوراها و تصفیه کارگران

مبارز را با افشاگری و مقاومت متحدانه خنثی کنیم!
صفحه ۳

نمونه های کمونیستی

نمونه های ارجمند در جنبش انقلابی طبقه کارگر
صفحه ۹

اعدام پدجرم: وفاداری به آرمان زحمتکشان

آخرین نامه های رفیق شهید احمدی بودن در آستانه اعدام
صفحه ۲۰

پیروزی سوسیالیسم پر فاشیسم هیتلری (۱)

۸ ماهه ۱۹۴۵ فاشیسم هیتلری بطور کامل شکست خورد. این شکست پیروزی عظیم خلقها و پرولتاریای جهان و سوسیالیسم بود. اینک پس از ۳۵ سال از شکست تاریخی فاشیسم، ما به اضمحلال پیروزی سوسیالیسم به درج مقاله های در این زمین می پردازیم:
با سقوط برلین در ۲ مه ۱۹۴۵ شوپ ارتش سرخ شوروی و تسلیم آلمان هیتلری در ۸ مه همان سال عملا قوای جبهه نیروهای فاشیست درهم شکست و جنگ بشده در صفحه ۱۰

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جنبش کارگری



اخراج کارگران مبارز کاشی ایران

روزیکنشبه ۷ اردیبهشت ۹ نفر از کارکنان مبارز کارخانه تاج اصفهان با توطئه کارفرما و شورای فدکا رگری این کارخانه اخراج شدند. کارفرمای این کارخانه با رها یکمک عوا ملش کوشیده بود تا در مقابل افشاگریهای کارگران مبارز و آگاه شدن کارگران سدی ایجاد کند، اما موفق نشده بود. مثلاً از آنجا که کارگران هر روز پس از نمازها برای بحث در باره مسائل صنفی و سیاسی به مسجد کارخانه می رفتند، کارفرما بوسیله شورای فدکا رگری کارخانه سعی کرد که مسجد را تعطیل کند، اما بسبب اعتراض شدید کارگران عقب نشینی نمود، او حتی یکبار میخواست که با کم کردن شش ساعت از وقت کار، عملاً امکان مسجد رفتن و بحث کردن را از کارگران بگیرد که بسیار مخالفت شدید آنها روبرو شد. آخرین حربه کارفرما و عوا ملش این بود که یکروز قبلاً از اخراج کارکنان مبارز از "صحف" استناد را زدن در این سرمایه دار مزدور دعوت کردند تا به بهانه سخنرانی در مجلس علیه نیروهای انقلابی سمپاشی کند. "صحف" در سخنانش ضمن تحریک کارگران علیه نیروهای انقلابی از شورای فدکا رگری کارخانه هم دفاع کرد. روز بعد قبل از پایان ساعت کار رشیف اول، عده ای از کارگران نا آگاه و تحریک شده، شیفست دوم در حالیکه ظرف عوا مل کارفرما رهبری میشدند، "اللله اکبر" گویان در کارخانه راه افتادند و هنگام عبور از قسمتهای مختلف کارگران و کارمندان مبارز آنرا که ز قبل شنا سائی شده بودند از میان دیگران جدا کردند و بدین ترتیب ۹ نفر از کارکنان مبارزین کارخانه اخراج شدند. گفته میشود که تعدادی دیگر نیز در لیست هستند تا در فرصتی دیگر اخراج شوند.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

اخراج کارکنان مبارز جزئی از برنامه های سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در سال "امنیت" است، سیاست و برنامه های کارگران و دبیلیمه های بیکار را با خاک و خون میکند، زحمتکشان کردستان را بوسیله فاشیسم و آمریکا می سمپاشی، مبارزان میکشند، دانشجویان مبارز و انقلابی را بدست با سدار چماق داران خود کشتار می کنند...

بکوشیم با اتحاد و مقاومت یکبار چرخه خود سیاست های فدکا رگری رژیم را برای اخراج و سرکوب کارگران و کارکنان مبارز خنثی کرده و متحدان برای بازگشت دوستان اخراجی خود که از خواستها و منافعی کارگران دفاع می نمایند ایجاد کنیم.



حمله به شوراها و تصفیه کارگران مبارز را با افشاگری و

مقاومت متحدانه خنثی کنیم!

از حمله کنندگان
- سعی در ایجاد درگیری با کارگران و به تشنج کشیدن کارخانه توسط حمله کنندگان.
- مهر و موم کردن اسناد و مدارک شورا و سپردن آنها به نگهبانی (حفاظت) حفاظتی که همان حفاظت زمان شاه و دست پرورده سیکتکین فراری میباشد.
- ضبط پرونده های کمیته های کمازی که تا کنون اقدام به جلب فولادپون، سکتکین و شعیب نونوجی و افشای دزدیهای مدیران... کرده است.
- عوا مغربی و اینکه چرا شورا خواستار ۱۵۰۰ تومان سود ویژه کارگران است و دولت را تحت فشار قرار داده (از نظر آنها سود ویژه قسمتی از مزد کارگران نیست بلکه سرمایه دار و دولت آنرا از جیب خود می دهد!)
- و با لایحه حمله آنها به میزکتابقروشی مجاهدین خلق در موقع نمازها روزه روزه رشتیه.
شبهه عمل آنها نشان داد که حاضرند حتی بسبب تهدید جاقووا ایجاد تشنج هم که شده به هدفهای شوم خود دست یابند، چرا که پیش کارگران شناخته شده اند و دیگر نمی توانند از طریق انتخابات و... به هدفهای خود برسند، اینست که به فحش و جاقو و حمله متوسل می شوند.

هدف آنها این بود که با انحلال شورا و با سرکار آوردن نمایندگان نی ازماش نمایندگان زمان شاه امنیت "سرمایه" را فراهم سازند، اما آنها کسور خوانده اند، چرا که آنها رشد آگاهی و مبارزات توده ها را نمی بینند، آنها نمی بینند که کارگران میهن ما در دو سال مبارزات قهرمانانه خود به چه درجه ای از آگاهی و تشکل رسیده اند و دیگر نمی توان سندی که - های قلابی را بر سر کارگران گذاشت.

طبقه کارگر میهن ما اکنون با گسترش اشکال مبارزاتی خود بر علیه نظام مپوسده سرمایه دار و وابسته و با اتحاد و همبستگی روز افزون خود می رود تا در اس جنبش خلق قرار گیرد.

کارگران مبارز و آگاه!

ما هیت ارتجاعی ضد کارگری حمله به شورا را برای کارگران نا آگاه افشا، سا زید، نشان دهید که این حمله حلقه ای است از زنجیر حمله به کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی.

شورا با بیدار اجتماع همه کارگران واقعیات را بقیه در صفحه ۴

بدنبال حمله عناصر مزدور و وابستگان رژیم سابق (که بنگ "انقلابی" شده و در خدمت رژیم جمهوری اسلامی درآمدند) به جلسه شورای کارخانه تراکتور سازی که با تحریک عده ای از کارگران نا آگاه انجام گرفت، کمیته آذربایجان سازمان در این رابطه اعلامیه ای بتاريخ ۵/۲/۵۹ منتشر کرده که در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه می کنید:

کارگران، زحمتکشان، توده های انقلابی!

همچنانکه میدانید هیئت حاکمه همزمان با یورش مجدد به کردستان، حمله به صفوف کارگران بیکار و کشتن آنها در "درد" و "اندیمشک"، هجوم به کارخانجات و دستگیری کارگران مبارز طی یک برنامه حساب شده دستور داده اند، این سگسرازادی و مبارزه فدا میریاییستی بیقرمیت و لوباکشتن و وحشیانه دانشجویان اشغال و تصرف شود.

هدف رژیم از این حمله سراسری به کارگران، زحمتکشان و دانشجویان و دانش آموزان انقلابی... در واقع تامین امنیت "سرمایه" و جلوگیری از نابودی نظام مپوسده سرمایه داری و وابسته بدست کارگران و زحمتکشان است.

حمله به شورای کارکنان تراکتور سازی در دوم اردیبهشت همزمان با حمله به دانشگاهها حلقه ای از زنجیر توطئه بر علیه کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی است. در این روز عناصر مزدور و خود فروخته رژیم سابق با تحریک عده ای از کارگران نا آگاه به جلسه شورا حمله کرده و اعضا شورا را با تهدید و فحش بیرون ریخته و اسناد و مدارک شورا را مهر و موم کرده به نگهبانی تحویل می دهند.

شنا سائی عوا مل محرک و جریان حمله ما هیئت توطئه را در جلوگیری کارگران آشکار می سازد:

- فعال شدن نمایندگان فرمانی زمان شاه (م)
- حمایت گانئون فرهنگی اسلامی، چپ داس زندگی و گانئون میهن دین اسلامی که ظرف استاسدار می حمایت می شوند از حمله به شورا.

- آمدن ۶ نفر با سدار قبلاً از حمله و حمایت آنها

(م) - دوش از رهبران مهاجمین عبارتند از: سعید فرقانیا از فعالین حزب "فراگیر" رسنا خبر و نوی فکار زمداحان رژیم شاه و عضو فعلی گانئون فرهنگی اسلامی.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳

حمله...

جلو چشم کارگران فراردهندگان قضاوت نهائی را انجام دهند.

کارگران باید با محکم کردن شورای خود - از طریق انتخاب کارگران مبارز و نه سفیدشورا و با اتحاد با شوراهای واقعی دیگر - نگذارند این توطئه‌ها به ثمر برسد زیرا شورائی که متشکل از نمایندگان واقعی کارگران باشد، از جان و دل مورد حمایت همه کارگران است و دیگری دگمی نمیشود در مقابل چشم کارگران مورد حمله قرار داد.

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز!

با افشای حمله ارتجاعی به شورای تراکتورسازی و با پشتیبانی از مبارزه کارگران تراکتورسازی و با اتحاد و همبستگی با آنها این توطئه را نقش بر آب کنید.

شوراهای واقعی را تشکیل دهید و با جان و دل از آنها دفاع کنید!

برقرار بماند اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان! سرک بسا مبریا لیسیم و ارتجاع!

☆☆☆

در رابطه با حمله مذکور در تاریخ ۵۹/۲/۶ کارکنان پروژه ریخته‌گری در مجمع عمومی خود طی قطعه نامه ای عمل مذکور را نه تنها مرحله کننده را به شورا محکوم می کنند.

در قسمتی از قطعه نامه آنان می خوانیم:

"ما کارکنان پروژه ریخته‌گری صریحاً اعلام می کنیم:

۱ - حمله به شوراها را که از اهداف انقلابی است شدیداً محکوم می کنیم.

۲ - ما ملیین حمله به شورای مرکزی کارخانه تراکتور سازی را با دیدار طرف آن شورا به اطلاع عموم کارکنان برست.

۳ - حمله مهاجمین به اتاق هیئت تحقیق و با کسب و شکست در آن نشانگر روش وحشیانه ارتجاعی مهربی است و شدیداً محکوم می شود و ما ملیین را از جمیع سال ساواک و طرفداران مدیریت اسبق تمیذانیم.

همچنین قسمتهای طرح و توسعه ساخت تراکتور، پروژه موتور، پروژه آهنگری و... نیز طی قطع نامه‌های حمله مذکور را محکوم می نمایند.

افشای واقعی و عکس العملی که کارگران مهاجمین را تحت فشار قرار داده و موجب میشود که با نگاه آنها در کارخانه سرعت کم شود، از اینرو آنها هم از طریق مجامع مختلف شورا را متهم کرده و برای اخراج کارگران مبارز زمینه جینی می نمایند. مثلاً در همان جلسه تصفیه کارگران مبارز مطرح می گردد تا مردم را علیه آنها تهییج کنند.

☆☆☆

روز سه شنبه ۵۹/۲/۹ از طرف شورای کارخانه ماشین سازی برای کارکنان مجمع عمومی گذاشته میشود تا در مورد روز جهانی کارگر... صحبت شود. در این مجمع پس از سخنان اعضاء شورا یکی از کارگران پیرو خط اما مبهت میکروفون رفته و علیه شورا سخنرانی می کند، اما فقط عده معدودی حرفهای او

را تا شنیدیم. نماینده کارکنان پیرو خط اما م کسه و بسته به کمیته اما م (این کمیته اکنون منحل شده است) بودند به بهانه‌های مختلف سعی می کنند شورای ماشین سازی را منحل نمایند. این عده با انتشار اطلاعیه‌هایی بنا می‌کنند که کارگران را دعوت از روح شیون برای سخنرانی مرتب شورا را محکوم کرده و از تصفیه کارگران مبارز صحبت میکنند. نکته ای که در اینجا باید یادآور شد، اینک عکس العمل هر دو شورا (شورای تراکتورسازی و شورای ماشین سازی) در برابر حملات مذکور منفعلانه بود. مثلاً شورای تراکتور سازی مسئله حمله و عاملین آن را برای کار

گران افشای نمی کند و شورای ماشین سازی با وجود پشتیبانی کارگران از آن در برابر حملاتی که به آن میشود و توطئه‌هایی که علیه او انجام می گیرد، عکس العمل مناسب نشان نمی دهد.

در حالی که حمله کنندگان می گویند که با استفاده از امکاناتشان علیه کارگران مبارز تبلیغ کنند شورا و کارگران آگاه برای رساندن حقایق بکسوس سایر کارگران و زحمتکشان و توده‌های مبارز فعالیت قابل ملاحظه‌ای ندارند. در صورتیکه افشای و جلب حمایت دیگر کارگران و زحمتکشان زمینه توطئه را علیه کارگران مبارز بسا محدود سری نماید.

اخراج کارگران و کارکنان مبارز جزئی از سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در سال «امنیت»

۵۵ نفر آنها برای اخراج کارگران اعضاء داده اند (بسیاری از این کارگران از اینک لیست مذکور را اعضاء کرده اند، اکنون پیمانند اولی مقامات دولتی سعی می کنند که اخراج آنها را خواست تمامی کارگران قلمداد کنند.

هم اکنون وزارت کار، مدیریت کارخانه و همگی سعی دارند که کارگران اخراجی را به راه نود آورند، تا مثلاً برای بصره "عبرت" باشد! وزارت کار زمان بسدگی به نکات با آنها راه بهانه، زیاده بودن بیرونده‌های تحت بررسی به یکباره و نیم بعد موقوف کرده و مدیریت کارخانه به نگهبانان سپرده است که مانع ورود کارگران اخراجی به کارخانه شوند. از طرف دیگر در داخل کارخانه گروهی از ضرت که از سرپرستهای مزدور تشکیل شده حو خفان آوری را بوجود آورده اند، بطوریکه هر کس از کارگران اخراجی حمایت کند، شدیداً تحت فشار قرار می گیرد!

هم اکنون با وجودیکه بسیاری از کارگران نسبت به اخراج دوستان و رفقاییشان اعتراض دارند، ولی بیعت حو خفانی که بر کارخانه حاکم است از یکطرف و نبودن عناصر آگاه و پیشروی که اعتراض آنها را با رهبری سنگ حرکت مشخص تبدیل نماید از طرف دیگر تاکنون اعتراض یکبارجهای صورت نگرفته است.

استقلال و آزادی تمامی خلقهای ایران از قید ستم ملی و طبقاتی تنها در گرو رهبری طبقه کارگر است



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بزرگداشت روز همبستگی کارگران جهان در شهرهای مختلف کشور

مسجد سلیمان

نمایش همبستگی کارگران بایک را هیما نی و مستین که بدعوت "کمیته مشترک برگزار کننده" اول ماه مه ترتیب یافته بود برگزار شد. راهپیمایان در صفوفی منظم و با مشت‌های گره کرده سرمایه‌داری و حافظان این نظام اسارت با رزاهه می‌آرزو طلبیدند. راهپیمایان با خشم و کینه فراوان از کشتار روحیانه - ای که رژیم در کردستان و داننگا هیا سراه انداخته است شعارهای را در حمایت از خلق دلاور کرد و محکوم نمودن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم فریاد نمودند. استقبال گرم مردم از نظار همبستگی کارگران - از هم - دردی آنها با خلق کرد و موضعگیری آنان در قبال هیئت حاکمه بود.

قزوین

تا بود ساختن سرمایه‌داری به افشای جنایات رژیم در داننگا هیا و بیوزنه‌گردستان تهران پرداختند. آنها شعار می‌دادند: "کشتار در کردستان، کشتار در داننگا هیا - توطئه آمریکا، توطئه ارتجاع" در طسول راهپیمایان اعلامیه‌های زیادی در افشای سیاستهای کثونی حکومت از طریق بلندگو فریاد کردند. ضمناً بمناسبت بزرگداشت اول ماه مه نمایشگاه‌های متعددی از زندگی و مبارزات کارگران از سوی هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در شهرهای مختلف استان مازندران بنمایش گذاشته شد.

صبح روز ۵۹/۲/۱۱ مراسم با شکوهی در یکی از محلات کارگری قزوین بنام "هادی آباد" به دعوت کمیته برگزاری جشن روز جهانی کارگر برگزار شد. ابتدا یکی از کارگران اخراجی قزوین در مسأله توطئه‌های رژیم در مورد اخراج کارگران مبارز به افشای برداشت، سپس کارگردانگری ضمن توضیح علل بیکاری و گرانی، اس‌دومسکل بزرگ جامعه کثونی، نظام سرمایه‌داری را به محاکمه کشید. جمعیت با شعارهایی در مورد لزوم اس‌دو همبستگی کارگر - ان و افشای توطئه‌های امپریالیسم، خشم و نفرت خود را از نظام مظالم سرمایه‌داری بنمایش گذاشتند. سه‌توارنده‌ها بنسای زحمتکش با خواندن سرودهای انقلابی نورخامی به مراسم بخشده بودند.

آبادان

روزین المللی کارگران در این شهر با شکوه و عظمت خاصی برگزار شد. از چند روز قبل "سندکای کارگران پروژهای" ضمن صدور اعلامیه‌ای از عموم اهالی شهرونیروهای انقلابی برای شرکت در سنگ راهپیمایی دعوت بعمل آورده بود. بنسبت "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" - آبادان نیز طی اعلامیه‌ای مورخ ۵۹/۲/۹ ضمن پشتیبانی از

"کمیته مشترک" در دادا مهربان به خود در محله کارگردان بنسبت نقیون بنسبستگی سران نمودند. هواداران این سازمان زرمسکان آزادی طبقه کارگر و سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را همکاران و زحمت - کشان محسلسلمان دعوت کرده بودند با شرکت در این میتینگ صفوف خود را هر چه وسیع‌تر نمودند. نمایشگاه در این میتینگ دوتین از کارگران جمعیت نفت و ایران کارسخرانی نمودند و حدین شعریوط کارگران خوانده و سوسین بنسبستگی از طرف کارگران کارخانه‌های مسجد سلیمان (کارگران مبارز شرکت نفت، پرسیزیون، ایران کار، سانیوال، بنسبستگی شرکت نفت، گوریزخانه‌ها، شهرداری، زمین - شناسی و...) قرائت کردند. در این بنسبستگی اشاره به تاریخچه روز همبستگی کارگران جهان، از طبقه کارگر ایران دعوت شده بودند صفوف خود را هر چه مشکل تر نموده تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به مبارزات خود ادامه دهند.

شیراز

استاد دوم حضرت زهرا ی شیراز تا هم مراسم روز اول ماه مه بود که از طرف کمیته کارگران برگزار کننده جشن تدارک دیده شده بود. در این مراسم ابتدا یک نفر از کارگران در مورد تاریخ جنبش کارگری سخنرانی ایراد نمود و سپس اشعاری از جمله شعری "کردستان بارهای از وطن من است" خوانده شد. زن زحمتکشی از ستمی کدبرنان میرو در مبارزاتی کدآنها دوشادون مردان در جهت محو استعمار فردا ز مردانجام میدهند، سخن را شد. شعارهایی که در فواصل سخنرانیها از طرف جمعیت داده میشد، حکایت از اعتراض به فجا بنی بود که هم اکنون در کردستان می گذرد و در داننگا هیا کدست. در پایان این مراسم قطعه‌های با ۲۷ خواسته قرائت گردید. اس مراسم مصون از تعرض دست‌های جاقوکن و حما قدار جمهوری اسلامی بنسبت دوتین از حاضرین بوسله کار رد خصمی شدند.

قائم‌شهر

بدعوت "کمیته برگزار کننده" راهپیمایی اول ماه مه - قائم شهر - متشکل از هواداران سازمان زرمسکان آزادی طبقه کارگر و رزاهه آزادی طبقه کارگر، یک راهپیمایی در مسرت محلات فقیرترین و کارگری قائم شهر برگزار شد. راهپیمایان در شعارهای خود ضمن تاکید بر لزوم وحدت کارگران و

این مراسم مردم مبارز آبادان را شرکت دزاین راهپیمایی فرا خوانده بود. ساعت ۹ صبح روز اول ماه مه جمعیت دهها هزار نفری همراه با پلاکاردهای متعددی در مقابل سندیکا گردآمده و آغا زهرا هیما نی نمودند. قریباً "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد، علیه امپریالیسم" شیرآبادان را بلرزه در آورده بود. سیل جمعیت که همچون رود حرونی از محله‌های کارگردانین شهر میگذشت مورد استقبال گرم مردمی که رخا به‌ها بنسبت بردارنده بودند قرار میگرفت. بی‌برخی از پلاکاردهای بی شماری که حمل میشد نوشته شده بود: "نهایت، نه تسلیم، شیرآباد آمریکا"، "حمله به داننگا هیا، حمله به انقلاب است"، "کشتار فاجعه آمیز در آبادان"، "اتحاد، اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم". همچنین پلاکاردهای متعددی نیز از طرف پرسنل انقلابی ارتش حمل میشد که برخی از آنها چنین بود: "فرماندهان ارتش تجار بحتی آمریکا دروشتان را در کردستان بیکاری گیرند"، "امپریالیسم جناسکار آمریکا و رژیم فاشیستی" بیکاری برتوان خواهم کرد ولی شرکت سوجونی به بنسبتاران ساهتمای و سرکوبگران ارتش نخواهم داد".

از آنجا که ارتجاع از سل جمعیت و شعارهای آگاهکاران به دشمن و هراس افشا ده بود، جدا قدار - انش را روانه سدان نمود. اگر چه آنها نیز بنسبت نظام راهپیمایی را اجند لحظه‌ای سرهم بنسبت ولی بنسبت خروشان جمعیت این طفیلی‌ها را چون بیکاری از سر راه خود رو بسوی راه خود ادامه داد. راهپیمایان در مسیر خود در مقابل بنسبت سیمارکن آبادان شوق کرده و بنسبت در بنسبتان فاجعه‌اش سوزی بنسبتا رکنی، یک دسته سکوت اعلام کردند و همدردی و پشتیبانی خود را از راهبردهای شهید کدبرای افشای پرونده این جنایت در آنجا متحصن شده‌اند، اعلام نمودند. هنگام قرائت قطعه‌ها راهپیمایی شویط بگی



زحمتکشان بلوچ روز همبستگی کارگران جهان را در شهرهای ایران بنسبت و هادان با شکوه بنسبت برگزار کردند. تصویر فوق کوسه‌ای از راهپیمایی زحمتکشان بلوچ را در ایران بنسبتا سده‌د.

خلق ها و مسئله ملی

خلق کرد تنها نیست!



"اخبار جنبش مقاومت" انعکاسی از پیکار دلیرانه خلق کرد

بدنبال فراخوان سازمان جهت شریح هر چه بیشتر در ارسال دارو و کمک های لازم به خلق کرد و جنبش مقاومت در کردستان و در نتیجه به برخورد فعال دانشجویان و دیگر رفقای هوادار سازمان در این رابطه استقلال. ثابان تقدیری از سوی رفقا ، هواداران و دیگر هموطنان مبارز بعمل آمد و در عرض چند روز صدها هزار تومان کمک مالی و داروئی (شیر خشک برای کودکان) جمع آوری گردید ، ما تا حدی بودیم که مردان و زنان و جوانانی که دلشان برای آزادی و استقلال خلفها و رهائی زحمتکشان از قیدستم و استثمای شیو در این امر شرکت می کنند ، بخوبی اذعان داشتند که این کمک ها با فداکاریها و جان - بازیها و مقاومت خلق کرد و پیشمرگه های کردستان خلق قابل مقایسه نیست! اما آنچه مهم است بیامی است که در این هموطنی رفقا و دوستان انقلابی و آگاه نهفته است ، بیامی که به خلق کرد و پیشمرگه های دلاور می گوید: ما شما را در مقابل توپ و تانک و محاصره اقتصادی تنها نخواهیم گذاشت ، اگر نمی توانیم در کردستان با شما و در کنار شما نبرد کنیم ، اما بی نهایت مجروحتان را که در زمین تلاش می کنند با جلوگیری ارسال داروئی درمان گذارد ، هر محو خواهیم گذاشت ، کودکان شیرخوار را که از شیر خشک استفاده می نمایند و رژیمها محاصره اقتصادی جلوگیری از گرفتن آنها ، بی شیر نخواهیم گذاشت و ...

آری ما با در اختیار گذاشتن کمک های خود به سازمان ، آنها را بدست شما خواهیم رساند .
ما ضمن ارج گذاری برای این کمک ها خواستگار کثرتی و افزایش هر چه بیشتر آن می باشیم .

بود ، فقط در این صورت رژیم عقب خواهد نشست و تسلیم خواهد شد .
پیروزیها دمیا ره حق طلبان به خلق کرد!
ما زمان بیگانه را در راه آزادی طبقه کارگر حوزه سنندج

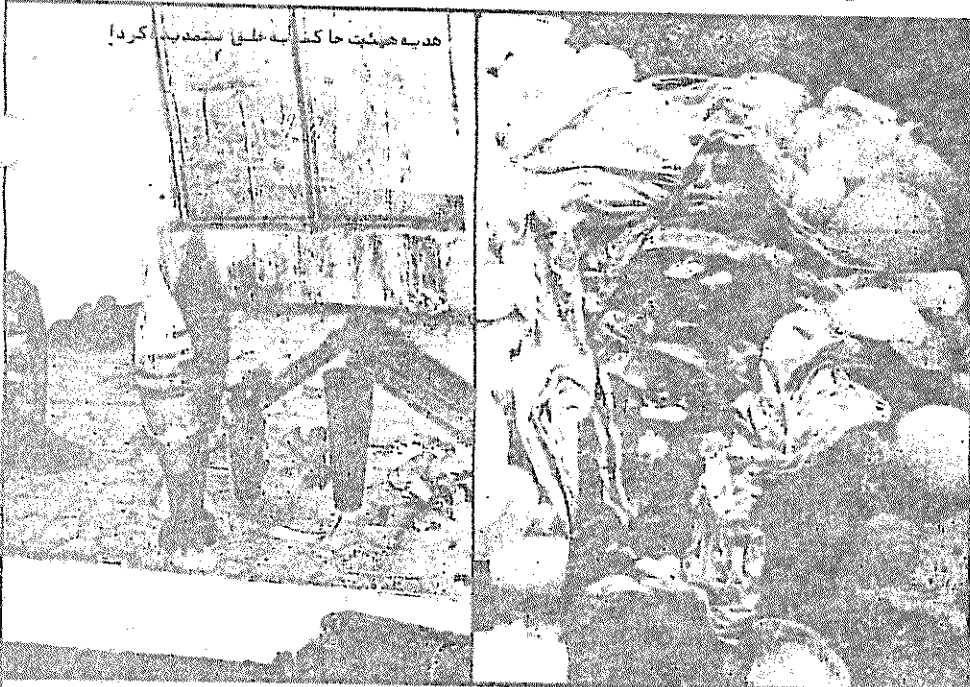
طرف رژیم به این دلیل نیست که رژیم واقعا میخواهد مسئله کردستان را به شیوه ای مسالمت آمیز حل کند ، بلکه همطوریکه عملا نشان داد رژیم از این فرصت برای تقویت مواضع خود و بازسازی ارتش و سیاه پاسداران شگفت خورده اش استفاده کرده تا بتواند جمله جدیدی را آغاز کند و این کار را از ۱۷ روز پیش انجام داده است ، بیاین برای عدم توجه به این تجربه که دستاورد و خونیهایی شهدای بسیاری است و هرگونه خوش بینی از جانب هرنیروی سیاسی نیست بلکه سیاست آتش بس این رژیم ، در شرایطی که عملا به سرکوب خلق مشغول است ، نتیجه ای جز خلق سلاح سیاسی - نظامی ندارد . بنا بر این بعضی از نیروهای سیاسی بجای این که در رژیم بدنبال جناح "ملح طلب" و "مسالمت جو" بگردند ، باید به ما زماندهی جنبش مقاومت بپردازند . و با شرکت هر جنبه فعال در این مبارزه ، قدرت خلق را تقویت کنند ، زیرا اگر چه خواهی خلق کرد جنگ نیست ، اما حاضر نیست "مذاکره" و "ملحی" که رژیم برای تا مین ممانعت خود تمیل می کند را بپذیرد ، بنا بر این آن سیاست اصولی که میتواند در عمل قادر است رژیم را هم در حیطه سیاسی و همه رجهیه ، نظامی عقب بینداند و او را در هر دو جنبه خلق سلاح نماید ، اتکاء به قسدرت لایزال شده ها ، سازماندهی جنبش مقاومت و تحمیل شکست نظامی و در نتیجه شکست سیاسی به رژیم خواهد شد

"اخبار جنبش مقاومت" تا منتشریه است کسه "حوزه" سنندج "ما زمان انتشار می دهد ، این نشریه روزانه بوده تا بحال (۵۹/۲/۲۵) ۱۷ شماره آن به دست ما رسیده است . حوزه ، سزین نشریه ای با همین نام منتشر می سازد که از آن تا بحال ۴ شماره بدست ما رسیده ، این نشریات جلوه های از مبارزات قهرمانان به خلق کرد در اروپا روئی با ارتش و پاسداران و جاسپان نشان می دهد ، اخباری که ما زمان ما از جنبش خلق قهرمان کرد در سطح جنبش می کند ، عمدتا منتقل از همین خبرنا مه است ، ما از گلبنه هواداران سازمان و حامیان بیگانه دلیرانه خلق کرد می خواهم در تکثیر و پخش اخبار مربوط به خلق کرد فعالانه تلاش نمایند!

اکنون ما قسمتی از "اخبار جنبش مقاومت" شماره ۱۶ منتشره در تاریخ ۵۹/۲/۱۴ را در اینجا نقل میکنیم: مردم مبارز سنندج! آنطوریکه در اطلاعیه ها و خبرنا مه های نیروهای سیاسی آمده است ، این روزها مذاکراتی در جریان بود تا آتش بس برقرار شود منتهی همانطور که انتظار می رفت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و رئیس جمهورش بنی صدر ، طی اطلاعیه ای که از اردیو و تلویزیون پخش شد ، بر "باکسازی نیروهای مسلح" ، بخصوص در شهر سنندج تا کبد کرده اند و به این ترتیب برگ دیگری را بر آورده ، جنایت ها بیان را با رنگارنگ و گلوله های خصما رد و توپ کالیبر ۵۵ وری زدند .

طی چند روز اخیر ما حدی بودیم که مردم سنندج چگونه امر برقراری آتش بس را با علاقمندی دنبال می کردند و در هر دو طرف جان و در زجر سرکنا رگلوله های دشمن به مقاومت حما سادترین خود را دادند ، رژیم نبرد کنا رگلوله ها را نپرواز طریق فرستادن نیروهای کمکی ، در حقیقت مواضع خود را تقویت نکرد ، ما با رد دیگر خیال خود تنها چوسیمتری را آغاز کردیم و از نظر خود شهر را "باک سازی" کند ، و در روز چهاردهمین روز مقاومت خلق ، ما آتش بس وسیع حصارها را خود نشان داد که میخواهد به اصطلاح "شیرا" "باک سازی" کند .

حربه خلق کرد و مبارزانش بخوبی نشان میدهد که رژیم ما بدما همت ضد خلقی ما و سیکه از خلق شکست بخورد ، بی بدبذاکره و آتش بس نخواهد داد . مثلا رژیم که در جریان نبرد و نیا جمه کردستان در تابستان سال گذشته تا تمام نیرویش به میدان آمد تا بسوا ندها کمیت ارتجاعی خود را در کردستان مستقر سازد و مبارزه سرخ و عا دلانه خلق کرد را خاموش سازد ، وقتی که در اثر مقاومت متحدانه و بیگانه خلق کرد و پیشمرگان مجرمانه منفضا نه شکست خورد ، حاضرند که بیست میرمدا کرده باشند ، بدین مذاکره از



حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

اعتراض حقوقدانان مترقی فرانسوی به بنی صدر در مورد کشتارهای اخیر ایران

ریاست جمهوری ایران ، بنی صدر - تهران
۱۹۸۰/۴/۲۸ - پاریس

ما قضا می‌هستیم که در گذشته بطور آشکارها با ت
دیکتا توری تا راه افکار کرده‌ها از مبارزین ضد رژیم
بپلوی در اینها و در کشورها دفاع نموده‌ایم . ما
شعب برای پیروزی انقلاب خلق ایران کف دریم ،
خلق که در مبارزه‌هاش برای حاکمیت ملی ، استقلال و
آزادی از هرگونه تسلیمیت می‌رود بنیاسی ما است .
امروزه افتخار در رسم تا ازجا ر خوبین را در مورد
کشتار ظلمت‌های ملی و سرکوب خوبین دانشوران ،
روشنفکران و کارگران ، سکوت نگذاریم .
امیدواریم که در آینده حقوق اساسی و عمومی
شریت مجرم شمرده شود ، حقوقی که در آن همگی
یک بیکار را بدین برده‌ایم .
با احترامات فائقه
(مسل سوویلا ، ماری فرانس سیدیلن ، مادلن لافو-
ورن ، سوری آلبالا ، یوسودلیو ، ژان ترو-سویگ ،
ژان درینی ، تیری تاگرا ، ژان لاکودو) - کمیته
دادگاه تجدیدنظر - دادگستری پاریس .
آدرس : سوویلا ، ۴۶ ک هانری ۴ - ۷۵۰۱۶۰ پاریس .

سخن زهر ، تلگراف عده‌ای از وکلای ترقیخواه (*)
فرانسه در اعتراض به بنی صدر در مورد کشتار در
کردستان و اقدام علیه کارگران و دانشجویان
دانشگاههاست که در تاریخ ۲۳ آوریل (۱۳ اردیبهشت
۱۳۵۹) ارسال شده است . این امر نشان دهنده جلب نظر
مخالف ترقیخواه‌ها به نسبت به جنایاتی که هیئت
حاکمه در ایران انجام میدهد ، بوده و در افشای این
جنایات در سطح جهانی به مردم کمک خواهد کرد .
بنابرین ما بدون آنکه ما هیئت و مواضع همه اعضا
کنندگان این تلگراف را مورد تأیید قرار دهیم آنرا
در اینجا می‌آوریم ، با این توضیح که بعضی از اسن
وکلای از جمله کسانی هستند که در زمان شاه نیز در
حمایت از مبارزات مردم علیه رژیم دیکتاتور شاه
مواضع مترقیانه‌ای داشته و در دفاع از مبارزات
ضد رژیم و افشای دیکتاتور محمدرضا شاه ، در سطح
جهانی و منجمله اقدامات استعمارگران فرانسوی
در الجزایر نقش فعالی داشته اند .

(*) - لازم است ذکر است که حقوقدانان مترقی مذکور
با سازمان "عفو بین الملل" تفاوت دارد .

«پیشمرگان مسلمان کرد» چه کسانی هستند؟

هیئت حاکمه برای سرکوب خلق کرد شما دستگا
- های سرکوب خود را بکار گرفته است . علاوه بر ارتش
و سپاه پاسداران ، رژیم با همدستی مفتی زاده مرتجع
و فتوایهای منطقه دست به تشکیل "پیشمرگان مسلمان
کرد" زده است . این دسته‌ها بیتکانه عمدتاً از جاشهای
خود فروخته ، عوامل فتوایها و افراد تبهکار رتشکیل
شده است ، اخیراً عده‌ای از مردم زحمتکش و گرسنه را
نیز بکار گرفته است که به واسطه بیگاری و فقر بیش از
حد ، بدام این باندها بکار افتاده اند . گزارش رهبر
این حیلہ کثیف هیئت حاکمه را بر ملا می‌کنند : یکی
از درجه داران با بیگانه‌ها هر خوی و یکی از اعضای گروه
ضربت با بیگانه‌ها با گروهی نام "توکلی" از طرف
گروه ضربت و انجمن اسلامی با بیگانه‌ها مورثه است که
پیشمرگان مسلمان کرد را استخدام کند . تاکنون این
خاص بیش از سه هزار نفر را هالی کیوترا چنگ و اطراف
با بیگانه‌ها با سه هزار تومان ماهیانه استخدام کرده و
به کار می‌راند و قروه اعزام کرده است ، یکی از این
پیشمرگان بنام "کریم نظیری" که از زحمتکشان ستم -
دیده و از کارگران بیگانه راست اظهار می‌دارد : من و
سایر دوستانم با هم طریبکاری و برای سرکردن شکم
زن و فرزندان خود بناچار پیشنها د "توکلی" درجه دار
مزدور را قبول کرده و سه کار می‌راند و قروه رفتیم ، اما
بعدا ز مدتی من متوجه شدم که ما نیز ره خلق کرد ، جنگ
بین اسلام و کفار نیست و آنها نیز مانند ما مسلمان
هستند . از این روشن به این سنگ نداده و متواری شدم .

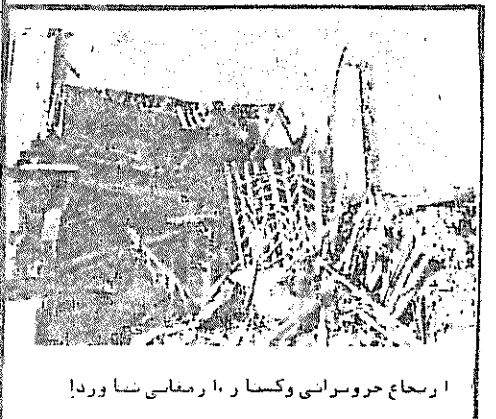
همکاری قاچاقچیان با پاسداران در سرکوب دانشجویان

طبق اخبار موثق ، در حمله مشترک ارتجاع محلی
و عوامل مزدوران هیئت حاکمه به دانشگاه بلوچستان
بعضی از قاچاقچیان معروف و جنایتکار ، دوشادوش
پاسداران با اسلحه به دانشجویان حمله کرده و در
سرکوب آنها نقش موثری داشتند که از جمله میتوان
از "حاجی ملا احمد" یکی از بزرگترین قاچاقچیان
منطقه و "حاجی تاج محمد شهبخش" ، "حاجی داد خدا"
شهبخش که یکی از واردکنندگان هروئین است نام برد .
(بمنقل از نشریه بلوچ ، ارگان اتحاد زحمتکشان
بلوچستان ، شماره ۲۱) .

TTN779 2TH268
10TH CO FRX 140
PARIS 140/129 23 1R11
Copie certifiée conforme de
telegramme n° TTN 779 déposé
à l'Institut National de
Recherche Internationale
Paris le 26/04/80
Président de la République DANI SADR
Téhéran
Pour le Club de Centre
AVOCATS AYANT HIER DENONCE PUBLIQUEMENT EN OCCIDENT LA
DICTATURE SHAH DEFENDU ICI ET CHEZ VOUS RESISTANTS REGIME PAHLAVI
APPLAUDI AVEC JOIE VICTOIRE REVOLUTION PEUPLE IRANIEEN DONT NOUS
SOMMES SOLIDAIRES DANS SA LUTTE POUR SA SOUVERAINETE SON
INDEPENDANCE ET SA VOLONTE DE LIBERATION DE TOUTE HEGEMONIE
AUJOURD'HUI TENONS A HONNEUR DE NE PAS TAIRE NOTRE INDIGNATION
SUITE INFORMATIONS RELAYANT MASSACRES MINORITES NATIONALES ET
REPRESSION SANGLANTE ETUDIANTS INTELLECTUELS OUVRIERS STOP
EXPRIMONS ESPOIR QUE DEMAIN SERONT POUR TOUS RECONNUS DROITS
FONDAMENTAUX ET UNIVERSELS PERSONNE HUMAINE POUR LESQUELS NOUS
AVIONS MEME LE MEME COMBAT STOP HAUTE CONSIDERATION
NICHELLE BEAUVILLARD MARIEFRANCE SCHMIDLIN MADELEINE LAFUEVERON
NURI ALBALA YVES BAUDELLOT JEAN BRAUNSCHEIG JEAN DEPIERRE
THIERRY FAGART JEAN LAGADEC AVOCATS COUR APPEL PARIS
BEAUVILLARD 846 QUAI HENRI 4 75016 PARIS
UNQUOTE



نمونه‌ای از اتحاد و یکپارچگی خلق قهرمان کرد
در مقابل یورش ارتجاع!



ارتجاع حروسانی و کسار ، ارمغانی نشا ورد!

شبه‌های کمونیستی: سنتی ارجمند در جنبش انقلابی طبقه کارگر

دهم ماه مه (۲۰ اردیبهشت) مصادف است با یادگرفتن سنتی انقلابی و کمونیستی در تاریخ سوسیالیسم پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ که کارگران و زحمتکشان شوروی، قدرت سیاسی را بدست گرفته، اولین سال لوده یک جامعه واقعا دموکراسی لیستی را برپا کردند و مظاهر مبارزاتی بی ریزی میکردند و با تمام قوا در راه برقراری مناسبات نوین اجتماعی کدیسور از هرگونه استبداد استقامت را ست گامی برداشتند، دست به ایستادن در راه آزادی زدند: کارگران، علاوه بر کسار روزانه به کار اجتماعی داد و طلبا نمودن آنها، یکا ابتدا در روزهای شبانه نماز میگزشت، برپا شدند.

در آن زمان، شوروی داخلی و شوروی خارجی ارتجاعی، همدست با امپریالیسم جهانی، مواضع متعددی بر سر راه برقراری سوسیالیسم در روسیه ایجاد کرده بودند و نما بندگان آنها کلچاک و دنیکنین (۱) انواع جنگ افروزیها را در این می زدند و با بسند با زگردانیدن اوضاع استبداد کارگزاران گذشته از هیچ جناحی خودداری نمیگرددند، کارگران روسیه و کمونیستهای انقلابی تحت رهبری حزب و آموژگسار بزرگ خود را در این بی هیچ وقفه ای فدا کار پیوسته ای قهرمانان نهوا بهتکاران عظیمی را از خود نشان میدادند لنین در مقاله بسیار آموژنده "ایستکار عظیم" در این باره چنین می نویسد:

"قهرمانی کارگران در پشت جنبه نیز کمتر از این (کمتر از قهرمانی سربازان ارتش سرخ) کارگران و دهقانان علیه سبایان کلچاک و دنیکنین و سایرین همان ملاکین و سرمایه داران) شایان توجه نیست، شبه‌های کمونیستی که کارگران بنا به ایستکار خود معمول داشته اند، از این لحاظ اهمیت واقعا عظیم است. ظاهرا این هنوز فقط سرآغاز کار است، ولی سرآغازی که برای اهمیت فوق العاده زیاد این سرآغاز انقلابی است دشوارتر، مهمتر، اساسی تر و قطعی تر از سرنگون ساختن شوروی، زیرا این امر پیروزی بر جمود شخصی، ونگاری، خودخواهی خرده بورژوا میخانه، پیروزی بر این عادت نیست که سرمایه داران منظور برای کارگر و دهقانان به نیرات نموده است، هنگامیکه این پیروزی تحکیم شد، آنگاه فقط آنگاه انقلاب اجتماعی نوین، انضباط سوسیالیستی بوجود خواهد آمد آنگاه فقط آنگاه بازگشت به عقب، سازشکست بسوی سرمایه داری غیر ممکن و کمونیسم واقعا شکستناپذیر خواهد شد." (تاگدها از لنینین و برانتها از ما ست.)

"روز هفتم ماه مه (۱۹۱۹) در جلسه عمومی که از

(۱) - دریا ما لار کلچاک دست نشانده امپریالیستها در پیروزی بود که در بهار سال ۱۹۱۹ ارتش سپه گرد آورد و ما منبرهای فدا انقلابی روسیه بزرگ را بران و در آمدند، او گوشتی در رژیم جمهوری شوروی را واژگون کند ولی ارتش سرخ در آوریل همان سال شکست سختی به او وارد آورد.

ژنرال دنیکنین، پس از شکست ارتش کلچاک، در جنوب شوروی علیه جمهوری انقلابی سوسیالیستی به لشکرکشی برداشت. لنینین برای شکست این توطئه مشترک امپریالیسم و ارتجاع شعار: "همه در راه مبارزه بر ضد دنیکنین" را داد و در آنجا، دنیکنین در اکتبر ۱۹۱۹ بدست ارتش سرخ کدفرماندهی آنها را شکست داده و برود شکست سختی خورد و این پایان کار بود.

کمونیستها و ما خواهان آنان در بخش راه آنس میگردانان تشکیل شدن مسئله مطرح گردید که از گفتار دربارهمک به پیروزی سر کلچاک به کردار برپا ختم خود "قرارداده نظر به وضع دشوار داخلی و خارجی و بد نظریه خودی بر دشمن طبقه ای، کمونیستها و ما خواهان آنان با بدبا هم بردت فعالیت خودیما فزاید و این ساعت را رویم جمع کرده در روزهای شبانه بطرف افقی دستا ساعت کار جماعتی انجام میدهند بدینسان می المیریک ارزش واقعی حاصل آید، بد در نظر گرفتن اینک که کمونیستها نباید از صرف نیروی جسمانی و بدل جان در راه پیروزی انقلاب دریغ ورزید، کار و پیروزیها انجام بگیرد، شبه کمونیستی تا احراز پیروزی کامل سر کلچاک در سرا سپه منقول گردد: " (تاگدها از ما ست.)

این ایستکار انقلابی گدالین آنرا عظیم توصیف کرده است، مورد قبول کارگران در بخشهای دیگر فرا گرفت و نتایج ارزشمندی هم در سایرین سطح تولید و مبارزه با غریبگاریها و ویرانیهای ناشی از اقدامات ارتجاع و هم در راه نمونهای از کسار انقلابی و قهرمانان آنها کارگران در نظر می که متعلق به خودشان است و خود قدرت سیاسی را در آن بدست دادند و خود بجای گذاشت.

ما در اینجا از تفصیل ختاج این ایستکار عظیم صرف نظر کرده خوانندگان را به مطالعه مجدد مقاله بسوی آموژنده لنین در این باره تحت عنوان ایستکار عظیم" مندرج در مجموعه منتخب آثار یک جلدی مقاله ۶۹۱ دعوت می کنیم.

فداکاریهای طبقه کارگر ایران و انتظارات رژیم جمهوری اسلامی

طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در مبارزه با رژیم امپریالیسم امپریالیسمنا دویوز وطنی مبارزات گسترده و پیروز سال ۵۷، پیش از پیش ثابت کردند که تا کجا حاضرند در راه ملی خودیما، فداکاریها و قهرمانیها و ایستکار عظیم خودیما بدهند، باعها اعتماد و بیگاری و مبارزات عظیم و خودیما بدهند، باعها خانواده ها را تحمل کرده، زندان و تهدید و شکنجه را بجان خریدند و از پای نشنند و سرانجام، همین طبقه کارگر پیروزه نهنگران قهرمان بودند که همرا با دیگر زحمتکشان ایران، رژیم ما را بیاورد و در حال حال بیستیم آموزش لنین و ایستکار عظیم "سبیه های کمونیستی" به ما چه می آموزد و ما تالی را که در راه به با کار و زحمت و فعالیت و فداکاری کارگران پس از یک انقلاب مطرح میشود چیست، آنچه میتواند ملاک برخورد و تحلیل ما قرار گیرد اینست که ایستکار و زحمتکشان، خود قدرت سیاسی را بدست دارند یا نه؟ آیا حکومت در راه قطع وابستگی، در راه برشکن کردن استبداد و دموکراسیها نه؟ از روزی که رژیم جمهوری اسلامی در ایران برقرار شده با راه از زبان سردمداران حکومت نموده ایم که نصرا نه از کارگران که ریستروا خواهد ساختند و هرگونه مطالبات عادلانه کارگران، هرگونه نصرا بر سرمایه داران از نوع کمکاری، اعتماد و تخصص و مطالبات عادلانه و غیره را "فدا انقلابی" معرفی می

کرده، تیروهای کمونیست و طرفدار طبقه کارگر که از مبارزات کارگران پشتیبانی میکنند مستقیم "فدا انقلابی" بودن می نمایند و آنها را "عینا طبقه ای" می نامند که در کسار خسانه، کارگران را "مستقر" میکنند، سران رژیم جمهوری اسلامی از کارگران می - خواهند که تولید را افزایش دهند، یعنی در تولید شرکت کنند خودیما است اول ماه مه درامضان همین خواست را تکرار کرده، کمونیستهای ایران طی یکسال گذشته هرگز از پشتیبانی خواستهای عادلانه کارگران و طلبا و اعتراضات آنها در راه احقاق حقان قایل شونده اند، کمونیستها گوییده اند که چیزی از لزوم خودیما فداکاری کدفرما بطلبها و در راه اعتدالی چنین کارگری دور دست دادند و بدینسان کارگران بر بند نظرات خود را تعلیل و توجیه نمائند، کمونیستهای ایران هرگز در پیب ما مطرح نمائند فداکاریهای کمونیستی رژیم جمهوری اسلامی را بشویدند، و از کارگران نخواسته اند که حتی مرخصی دست از خواستهای عادلانه بکنند بر دارند، این امر البته به مذاق نما بندگان جدید سرمایه داری در ایران خوش نمی آید، آنها کارگران و کمونیستها را مستقیم به خیانته می کنند اما کارگران و زحمتکشان آنگاه میدانند و آنگاه نیز بهمت این موضوع کبری کمونیستها را برای تمام شوهها روشن خواهد کرد که در شرایطی که قدرت سیاسی بدست نما بندگان کارگران و زحمتکشان نیست، در شرایطی که سرمایه داران وابسته مکان می با بندن و اجرا نمی کنند و نتیجه قیام بر پیرو کاران و ارتداد آنها است که بخشدند در شرایطی که کارگران حق طلبند و بزرگان میسی افکنند با کلکولر می بندند (کارگران میسی و ...). وصف بیگاری را از آماج عیلسنها می کنند (مثلا در دورود)، در شرایطی که هم نینسان طبقه کارگر بیعی طلبیای تحت شمولیما فداستد ایران قتل عام می شوند و عرض میما را از قرار دارند، در شرایطی که کارگران در برابر برگرانی سرمایه و ورور کمونیستین هزینه زندگی همگروهنا میانی ندادند و خودیما خواهد شان از حداقل تا مین زندگی برخوردارند، در شرایطی که سرمایه داران بباریکه قدرت تکیده خواهند بود، کارگری وضع کرده و با حداقل کارکنان در کارها را از طریق "نیروی ویژه" (ما نیندها) انداره حفاظتست (سابق) و خیر چینیان با اصطلاح مکتبی و اسلامی (انجمن های اسلامی و ...) و نصرا خراج کارگران مبارز و کمونیست را در سراجها و خردقرا و دما نواژا که شده کارگران بشدت میترسند (واقع همدا رنگه بدستند) در چنین شرایطی چگونه میتوان از کارگران خواست از خواستهای عادلانه خود دست بردارید و مثلا کارهایی کنید که کارگران حاضرند که بجا می کنند، حاضرند شبه‌های کمونیستی در سرا سر کشور و کلیتند، رنده های صنعتی و کشاورزی ایجاد نمائند و کارکنان در راه فداکاری تولید و مین نیا و زندگیهای عمومی کارکنند با هیچ شرطی با شرط اینکه رژیم، رژیم کارگران و زحمتکشان نامه، کارگران و دیگر زحمتکشان حاضرند ما آنها با کدها لها منبر کنند، اما بدو آنگاه آید های بیایع استنداردندان در چشم استاز باشد، کار و زحمت و "مبارا انقلابی" کارگران و زحمتکشان نینیا در شرایطی که کمیت زحمتکشان در جمهوری دمکراتیک خلق و در راه احسان سوسیالیسم مخفی میدهد در شرایطی که کمیت بورژوازی n.

نوعی از فداکاریها را در نظر می که متعلق به خودشان است و خود قدرت سیاسی را در آن بدست دادند و خود بجای گذاشت.

پیروزی ...

بقیه از صفحه ۱

جهانی دوم بعد از چهار سال که جهان را در کام فرو برده بود، به پایان خویش نزدیک گردید. امروز در آستانه سی و نهمین سالروز پیروزی ایران رسیدن آیین جنگ فرصتی است که با نگاهی به وقایع و جریانات آن از نقش عظیم و تعیین کننده شوروی و سوسیالیستی و اصولا سوسیالیسم در درهم شکستن جبهه فاشیسم و رها نیدن بشریت از خطر عظیمی که آنرا تهدید مینمود بیاری نمائیم. این همچنین فرصتی است که تا بسا یادآوری حماسها و قهرمانیهای پرولتاریای شوروی و همه خلقهای آن تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) شوروی و در رأس آن استالین کبیر که نبرد حماسه آفرین استالین گرادتیلور برجسته این قهرمان نیپا بود، گوشه کوچکی از راه و عزم آهنین پرولتاریای جهانی برای رهایی نیپا از یوغ فاشیسم و بندگی و بردگی و ملامت و صحت انکارنا پذیرا یه ثولوسوی ظفر نمون آن یعنی ما رکسیسم - لنینیسم را بسیم نمایش بگذاریم، با شکرده پرولتاریای قهرمان ایران زدرا این راه پرشکوه سهم خود را به بیست و سه ترین وجه ادا نماید.

چرا جنگ امپریالیستی؟

همانطور که ما رکسیسم - لنینیسم همواره و بطور صریح بیان داشته است "جنگ" اساسا ناشی از وجود طبقات و اختلافات طبقاتی در جامعه بشری است و تا زمانی که جامعه طبقاتی وجود دارد جنگ نیز وجود خواهد داشت. در عصر امپریالیسم با توجه به ابعاد گسترده و بین المللی نظام سرمایه داری، جنگهای این عصر نیز در مواردی ابعاد جهانی پیدا کرده و تقریبا تمام کشورهای جهان را در بر میگیرد. در عصر امپریالیسم کشورهای امپریالیستی همانطور که لنین در "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" متذکر میشود، برای تقسیم مجدد جهان و بدست آوردن سهم بیشتری از جهان و لغات و شرعتهای طبیعی و انسانی، به رقابت می پردازند و نتیجه این رقابت چیزی جز جنگ نیست که شدیدترین و نهائی ترین نقطه رقابت آنها برآید. انداختن جنگ در سطح جهانی نقطه رقابت اول و جنگ جهانی دوم دومنونه زنده این امر است. در حقیقت در عصر امپریالیسم همه کشورهای استالین و سایر بزرگان سوسیالیسم یادآوری میکنند، همواره زمینه را مکان بروز جنگ امپریالیستی وجود دارد و تا زمانی که امپریالیسم و سیستم استثماری فردا زنده و وجود دارد، جنگ نیز وجود خواهد داشت. استالین میگوید:

"برای امکان ناپذیر ساختن جنگ با امپریالیسم را از بین برد (مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد شوروی) اما زمینه مشخص رقابت شدید امپریالیستی و برآید انداختن جنگ جهانی را با یستی در رده خطراتی که سیستم سرمایه داری جهانی را تهدید میکند و آنرا در آستانه اضطرال و نا بودی قرار میدهد جستجو نمود. از جمله مهمترین آنها بحران عمومی و ذاتی سیستم سرمایه داری است که وقتی بطور اجتنابنا پذیر در اوج میگردد و بهای آنرا به لرنه در می آورد، حکومتهای سرمایه داری و امپریالیستی بسرای خلاصی از بحران و انداختن با رستگین آن بسدوش زحمتگنان کشور خود را بر کشورها به جنگ متوسل میشوند. به این ترتیب آنها میکوشند با بدست آوردن مسایلی جدید تحت سلطه و تکست حریفان خویش خود را

بیشتر و تسلط بر جهان به روی یکدیگر چسب می انداختند. بر این مینا است که قبل از شروع جنگ ابتدا امپریالیستیهای آمریکا، انگلیسی و فرانسوی در بقدرت رسیدن جناح فاشیست برهمنری هیتلر در آلمان کمک کردند و بعد مبه تشویق و تحریک آن برای حمله به شوروی سوسیالیستی برداختند، تا بلکه از این طریق حکومت جوان شوروی را سرنگون و نابود سازند. اما هشیاری پرولتاریای شوروی و مشخما رفیق استالین نسبت به طول اندام امپریالیستیهای آمریکا و انگلیسی و فرانسوی نقشه آنها را نقش بر آب کرد (۱) با ناکام شدن نقشه امپریالیستیهای آمریکا و انگلیس و دیگر امپریالیستی علیه دولت شوروی، جناح فاشیست در آلمان قدرت را کاملاً ملامت کرده و در جهت سلطه بر جهان، حمله خود را متوجه رقیبان خویش ساخت. و با این ترتیب جنگ جهانی دوم، عسلا با حمله نیروهای آلمان در روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان شروع گردید. حمله ای که بتدریج پسای سا امپریالیستی را به دایره جنگ کشاند.

جنگی که آغاز شد، یک جنگ امپریالیستی غارت گرانه و در جهت سلطه کامل بر جهان و بدست آوردن سهم بیشتر توسط امپریالیستیهای گوناگون بود. امیر یا لیسم خونخوار آلمان به سرکردگی هیتلر، رترین جناح آن یعنی فاشیستها به رهبری هیتلر، طلق نقشه های بلند پروازانه خود قصد آن داشتند که سرمایه جهان را تحت سیطره خود در آورند و بر این مینا مینا یستی کلیه رقیبان خویش - یعنی سا امپریالیستیها - را از سر راه خود بردارند. اما امپریالیستیهای جهان بخوار دیگر از جمله آمریکا، انگلیس و فرانسو که خود را مورد هجوم رقیب نیرومندی میدیدند و خود را عهه کشور - کشائی و سلطه بر جهان را داشتند، برای حفظ و گسترش منافع خویش بناچار با یستی در مقابل رقیب خود با یستند. در واقع هیچک از رقیبان هم آنطور که قبلا متذکر شدیم دلش بحال مردم جهان نشوخته بود و هر دو طرف برای حفظ و گسترش منافع یک مشت اقلیت نا چیز سرمایه داران کلان در این جنگ وارد شدند و هم آنطور که گفتیم این خود امپریالیستیهای آمریکائی و اروپائی بودند که برای نابودی کشورها و با یگا ها انقلاب جهانی به رشد و تقویت و بدست آوردن رسیدن فاشیستها در آلمان کمک کردند. بنا بر این جنگ آنها با آلمان هیتلری علیه رقیب خود و کرنسای تبلیغاتی مینا نندفاع از آزادی بشریت در مقابل هجوم فاشیسم، بلکه دفاع از منافع آزمندان و غارتگران خویش در مقابل حریف بود.

در این میان روشن است که شوروی سوسیالیستی و پرولتاریا و خلقهای جهان منافع دویلوک امپریالیستی نمی توانستند موضع بگیرند و تنها موضع انقلابی محکوم نموده جنگ امپریالیستی بود. همانگونه که لنین تا کتیک پرولتاریا در قبال جنگ امپریالیستی را معین کرده بود می با یستی علیه جنگ موضع گرفته و جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی و با انقلاب تبدیل نمود. در ابتدای امر نیز جنگ دوم جهانی امپریالیستی بوده و تا کتیک پرولتاریا جز بارزه علیه آن چیز دیگری نمیتوانست باشد. (۱) اما مدارد

(۱) - در ۲۳ اوت ۱۹۳۹ پیمان میمنی بر عدم تجاوز بین آلمان و شوروی سوسیالیستی منعقد گردید. این پیمان نقشه امپریالیستیهای آمریکا، انگلیسی و فرانسوی که میخواستند ابتدا رژیم شوروی را توسط آلمان فاشیستی نابود سازند و بعد خود میا نسدان میدان شوند، را ناکام ساخت.

از بحرانهای که گریبان نشان را گرفته است رها کنند. البته در این میان کمپانیهای بزرگ اسلحه سازی نیز از طریق تولید و فروش گسترده تسلیحات جیسب خود را از دسترنج زحمتگنان پر میسازند. بر همین مینا بود که منافع متضاد امپریالیست - های اروپائی و آمریکائی موجب برپا شدن جنگ جهانی دوم گردید. بحران سالهای ۴۱ - ۳۹ که تا آن زمان شدیدترین بحران سیستم سرمایه داری بود چنان با یه های سیستم را به لرنه در آورد که حکومت - های امپریالیستی خود را با خطر عظیمی مواجه دیدند در حقیقت این بحران گذشته از به ورشکستگی کشاندن اقتصاد کشورهای سرمایه داری موجب فقر و به بدبختی کشیده شدن توده های عظیم کارگران و زحمتگنان کشورهای امپریالیستی گردید و موج عظیمی از مبارزات کارگران و زحمتگنان را دامن میزد. با این ترتیب جنبش کارگری و با لطبع جنبش کمونیستی به صورت خطر رشد یافته ای زندگی انگسل وار سرمایه داری و سرمایه داران را مورد تهدید قرار میداد. در این میان با یگا ها انقلاب جهانی و دژ مستحکم پرولتاریای بین المللی یعنی شوروی سوسیالیستی با گامهای بلند و دراز از بحران خسرد کننده سیستم سرمایه داری به پیروزیهای عظیمی دست می یافت و بعنوان پشتیبان محکم و مطمئن پرولتاریا و خلقهای جهان اردوگاه امپریالیسم را به وحشت انداخته بود. در واقع پرولتاریا و زحمت گنان شوروی تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) و در رأس آن رفیق استالین توانستند علیه رقیب خود و تهدیدات امپریالیستیها و با یستگان آنها و مشکلاتی که با آن مواجه بودند، در آید به راهی - اقتضای رشتن پایهای سوسیالیسم را ریخته و پیروزیهای عظیمی در راه استقرار کامل سوسیالیسم نائل شوند. این پیروزیهای عظیم که تنها طی ۳۰ سال بدست آمده بود و روسیه عقب مانده و فئودالی را به کشوری در سطح پیشرفته ترین کشورهای تبدیل کرده بود و مهمترا ز همه آنرا بعنوان با یگا ها انقلاب و بمورت دژ مستحکمی برای پشتیبانی از انقلاب جهانی در آورده بود، شدید امپریالیستیها را به وحشت و هراس مرگ انداخته بود. رشد مبارزات آزادیبخش در کشورهای تحت سلطه که با پیروزی انقلاب کبیرا کتبر و پیروزیهای بعدی آن در شوروی توان تازه ای یافته بودند، نیز خطر را برای امپریالیستها دوچندان کرده بود.

فاشیسم هیتلری به قدرت میرسد

با این ترتیب سیستم امپریالیسم جهانی از جا رسوخود را مواجدا یورش و تهدید میدید. بحران ذاتی سیستم سرمایه داری، اقتصاد آنها را به افلاس و ورشکستگی کشانده بود. جنبش کارگری و سایر زحمتگنان در نتیجه فقر و آرزو ندهاها بسرعت روزه گسترش بود. اولین کشور سوسیالیستی روز بروز به پیروزیهای جدیدی دست می یافت و چشم تمام زحمتگنان جهان به سوی آن متوجه شده بود و بالاخره جنبشهای آزادیبخش با الهام از انقلاب کتبر و پیروزی سا ختمان سوسیالیسم در شوروی هر روز اوج نوینی می یافت. در این اوضاع طبقاتی حاکمه کشورهای امپریالیستی یعنی بخشهای مختلف بورژوازی جهانی برای نجات آنان و نابود ساختن دژ انقلاب جهانی یعنی شوروی سوسیالیستی هم - داستان بودند، لیکن هر کدام از آنها طبق منافع خاص خویش و بصورت باندهای دزدان دریائی بدنیال سهم

نیست که بخشهایی از توده‌ها در سطح بالایی از مبارزه بصری برند و بخشهای وسیعی از آن در حالت بسی - تقاطعی و با در سطح نازل از مبارزه با ارتجاع بصری برند. مسئله این است که در برابر آن بخشهایی از توده‌ها که مبارزه در اعتلا و نه تنه اعتلا، که در وضعیت انقلابی قرار دارند، بخشهای دیگر - فعلا لانه از حکومت دفاع می‌کنند و خود را مانع و پشتیبان آن میدانند. چرا که گمان می‌دارند این

سال گذشته، در واقع سال شکست و عدم کارایی بسیاری از روشها و سیاست‌های هیئت حاکمه برای سرکوب جنبش و خفه کردن انقلاب بود.

روزم تا حدودی در یافته است که مبارزه طبقاتی جاری در جامعه، مهار نشدنی است. از این رومی گوشه تاجیهت این مبارزه را به انحراف بکشاند، خویشتن را از امواج حملات امواج مبارزه انقلابی و موج نسبا - رضاییتی خلق از هیئت حاکمه بکناری کشد و آنها را به مقابله جوتی در برابر یکدیگر بگشاند.

حکومت هنوز می‌تواند توده‌ها را با استفاده از آنها در انقلاب پاسخ گوید، رژیم درست با انگشت گذاشتن بر این مسئله سیاسی است که می‌توانند سیاست توطئه‌گرانه خویش را برای به مقابله گمانندن توده‌ها در برابر یکدیگر اعمال نمایند و در سر هر بزنگاهی، با یک فرمان توده‌کنشیری را بدنبال خود روان سازند و به این شیوه جدید ما بفایت توطئه‌گرانه و کشف سرکوب دست یازد.

عدم وجود یکبارگی در قدرت سیاسی حاکم و وجود بلوک‌های متحدی که چه در درون حکومت و چه در خارج از آن در پی سهمی از قدرت با آورده، روانند و بر روی یکدیگر نتیجه می‌کشند، گواهاست فنودالسی روحانیت از یکسو و وجود جریان طبقاتی مختلف در آن مجموعه سبب میشود که یک قدرت سیاسی متمرکز و یکبارچه طبقاتی نتوانند خویشتن را در همه سیاسی جا مع مستقر نماید و نتواند با به سیستم سیاسی حاکم با زگردهند، عطش قدرت طلبی، به‌عنوان در میان جناح‌های مختلف روحانیت، درگیری و بحران سیاسی را در هیئت حاکمه و محافل مختلف پیرامون حکومت دان من می‌زند و حالت نا با پداری آن را فزونی می‌سازد، انعکاس این تفا‌ها و درگیریها در با شین مستقیما آنها می‌مختلف قدرت حاکم را از هم گسیخته می نماید و هر یک را در قبول یک جناح از قدرت حاکم و یا خارج از آن کما مکان تملط بر آن راداشته است در می آورد، علاوه بر اینکه هر کدام از قشرهای سیاسی در بالا، توده‌های را بدنبال خود روان ساخته اند که در وقت مقتضی آنها بر علیه جناح‌های دیگر و یا بر علیه نیروهای انقلابی و جنبش انقلابی توده‌های آگاه به راه می‌اندازند و بر وسعت بحران و درگیری می‌افزایند.

از طرف دیگر اگرچه نرخ رشد نیروهای انقلابی بسیار است و این نرخ رشد حتی روزانه افزایش می‌یابد، لیکن هنوز یک قطب قوی انقلابی که بتواند توده‌های وسیع ناراضی و کهنه شده از رژیم را در پشت سر خویش متشکل سازد و جهت و سوی سیاسی آنان را آگاهانه تعیین نماید و وجود ندارد، به عبارت دیگر جنبش انقلابی و کمونیستی نیز بدلیل تنگنا و پراکنندگی درونی خویش دچار بحران می‌شود و نیروهای سیاسی انقلابی کنونی، هنوز به تنهائی نمی‌توانند نترزانند از عهد و چنین کار برآیند. این واقعیت، باعث میشود که روند حرکات خودبخودی توده‌های نا آگاه افزایش یابد و از حاکمیت یک جریان آگاهانه، جهت‌دار برخوردار نباشد. این نتیجه در صفحه ۱۸

خصلت واپس‌گرایانه و گرايشات ناروینها از تاج عسنی تفکرش از یکسو و تفا‌ها می‌کشد با خود این سیستم چه از لحاظ روینا می‌وجه از لحاظ زیربنائی دارد، نظامی را که سهمی از آن بدستش سپرده شده است، به دست خویش به‌نا بودی می‌کشد و علی‌رغم آنکه شیدا از این نا بودی خود در وحشت است، استقرار یک نظم نوین در چهار چوب نیروهای مسلط فعلی بر قدرت سیاسی و ایجاد ثبات آن، امکان پذیر نیست و

بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی، قادر به فائق آمدن بر بحران اقتصادی - سیاسی فعلی نخواهند شد و با معسرعت به سمت گسختگی و تشدید تفا‌ها و فروپاشی سیستم موجود و افزایش عدم ثبات حکومت و تشدید آنها با انقلابی جا مع به پیش خواهد رفت.

بحران اقتصادی و وضع متا وضع معینی توده‌ها که فلاکت و قحطی و دهها عوارض اقتصادی دیگر را برای جامعه به ارمغان آورده است، خصلت انفجاری به مبارزه طبقاتی توده‌های زحمتکش جا مع بر علیه نظام مسلط می‌دهد و بدین ترتیب که حوادثی همچون بندرنازل در نقاط مختلف کشور بصورت شورش‌های ناشی از فشار اقتصادی متعلی گردد، یعنی مدرکه خود این مسئله را می‌داند، چه خوب آثار در قبال سبب

کلمات بیان می‌کنند و به تاج را زار هشا در می‌دهد: "اگر سبب بیاید همه ما را با خود خواهد برد (نقل بمعنی از سخنان بنی صدر در اجتماع با زاریان قبل از عید). این فلاکت اقتصادی که با اعلی آن بردوش کارگران و زحمتکشان جا مع سنگینی می‌کند، با رمیسا رزده طبقاتی را در جا مع به شدت افزایش میدهد و آنسرا برجسته می‌کند، مشرف طبقات تحت تا شیر این بحران شفا فیت بیشتر می‌بخود می‌گیرد و خصلت طبقاتی مبارزه عمومی خلق را بشدت افزایش می‌دهد.

این ویژگی با عت میشود که بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان در حالی به صحنه مبارزه طبقاتی بر تاج شوند و در برابر نظام مسلط اقتصادی و سیاسی کنونی صف آرائی نمایند که توده وسیعی از خرده بورژوازی هنوز از رژیم کهنه نشده‌ها شنود نسبت به آن در توهم و خوشباموری بسر برند، این وضعیت بدون شک نمی‌تواند به یک صف آرائی اجتناب‌نا پذیر در یک مقطع معین ا جا گذرا میان این دو بخش از توده‌های خلق نیا نجا مد.

ویژگی دیگر مبارزه طبقاتی و ملی در جا مع ما، نا همگونی در بخشهای مختلف جنبش توده‌ای است. به خوبی می‌بینیم که در حالی که مثلا در کردستان سطح جنبش بدان حد اعتلا یافته است که خلق کرد را به مقاومت مسلحانه در برابر ارتجاع میکشاند، در بسیاری شهرها مثلا در شهری همانند صفهان یا مشهد و باقم، توده وسیعی از مردم، هنوز نا آگاهانه مدافعین حکومت کنونی اند و در پی آن روان شده‌اند این اختلاف سطح فاحش در سطح مبارزه سیاسی توده‌های میهن ما بطور عینی زمینه تقابل بخشهای مختلف توده‌ها را فراهم میسازد و امکان بهره‌برداری ارتجاع را از موضوع بوجود می‌آورد. مسئله این

عبورنا بد جنگی که در ابتدا و تا بد در طی یک دور (یعنی تا زمانیکه ارتجاع بکلی منقره گردد) اقشاری از توده‌ها را در برابر بخشهای دیگری از آنها قرار می‌دهد و کشور را درگیر یک برادر کشی می‌نماید. ما در سال گذشته نسبت به این روند و سیر حرکت جا مع هندا رده دیم و بر اجتناب نا پذیری آن تا کیستد و رزی دیم، سیر واقعیات سیاسی جا مع، صحت این تحلیل را اثبات می‌نماید، و در حال حاضر بروشنی میتوان نشاندهای با رزاین روند و سمت و سوی ناگزیری را که جا مع بر بستن آن حرکت می‌نماید، در گوشه‌های مختلف کشور و در صحنه سیاسی و مبارزه طبقاتی جا مع مشاهده نمود.

بی هیچ تردیدی طی چندین روند در دناکی موافق تمایل و آرزوهای با نیست، ما خواهان مبارزه طبقاتی و اوچگیری آن هستیم، لیکن خواهان جنگ داخلی و برادر کشی نیستیم، اما تمایل واراده ما در تغییر جهت مسیری که جا مع به بر پایه یک سلسله عوامل و علل عینی و ذهنی می‌پیماید، نمی‌تواند تا شیر تعیین کننده‌ای داشته باشد. ما می‌توانیم روند را کوتاه‌تر نماییم، اما منعه عمل کرد جنگ داخلی را کاهش دهیم، مبارزه طبقاتی را با سرعت بیشتری از درون این جنگ اجتناب نا پذیر داخلی فرا رویم، لیکن نمی‌توانیم از تحمیل این روند بر جا مع جلوگیری نماییم، هر کس این نکته را درک نکند، نتواند مهمترین ویژگی و صفت کنونی را درک نماید.

چرا میگوئیم این روند اجتناب نا پذیر است؟ برای روشن شدن این مسئله باید به زمینه‌های ذهنی و عینی حرکت جا مع در چنین جهتی اشاره نماییم.

زمینه‌های بروز و تشدید جنگ داخلی

بحران سیاسی که هم‌اکنون جا مع از سر می‌گذرانند، ادا مبارزاتی است که در طول دو سال گذشته پیوسته ادا شده و در مقطعی از تداوم خویش، رژیم پیوسته سلطنت را به اعماق تاریخ فرستاد، جا مع شای در قدرت سیاسی و تیرگی قدرت در دست بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی، این بحران که ریشه در سیستم گندیده سرمایه‌داری وابسته داشت، به هیچ وجه ننگرفته، بلکه با افت و خیزهای کما کمان ادا می‌افتد، و یک لحظه جا مع را در حالت سکون و قرار باقی نگذاشت.

پایان دادن به این بحران تنها یک راه حل انقلابی می‌خواهد که بورژوازی و خرده بورژوازی قادر به اراکام این راه حل نیستند. راه حل قطعی این بحران در گرد و گردونی بنیادین نظام مسلط بسر جا مع و استقرار یک نظم نوین انقلابی است و این نیز جز با قرار گرفتن پرولتاریا در رهبری انقلاب میسر نمی‌باشد. بورژوازی که هم‌اکنون بر قدرت سیاسی جا مع جنگ انداخته است از آنجا که حفظ و یا زسازی این نظام موقتا می‌شود، سرمایه‌دارانه است، هم‌اکنون خود در برابر تحقق این تحول انقلابی قرار گرفته است و خود را مل دیرپائی این بحران در جا مع و گشاده شدن آن به سمت یک گسختگی قریب الوقوع است. هر چند که خود بشدت خواهان استقرار نظم و ثبات بورژوازی سیستم، از هر طریق ممکن است، خرده بورژوازی مرفه سنتی نیز که سر نوشتش بسا سر نوشت بورژوازی و سیستم موجود گره خورده است، نه تنها قادر به بازگرداندن ثبات به جا مع نیست (علیرغم تمایلش) بلکه بدلیل تاریک اندیشی و

در شهرهای مختلف کشور:

گشاد در کردستان و دانشگاه محکوم شد

★ شیراز

بعد از ظهر روز یکشنبه ۷ اردیبهشت ماه میهنپنکی تحت عنوان "چرا رژیم بین چنین وحشیانه‌ها نگاهها و کردستان را بخاک و خون میکشد؟" از طرف دانشجویان و دانش آموزان هواداران سازمان پیکار برگزار شد. این مراسم به منظور محکوم کردن سیاست سرکوبگرانه رژیم برپا شده بود با اعلام یک دقیقه سکوت بخاطر بزرگداشت یادشدهای اول اردیبهشت دانشگاه آغاز شد. سپس یکی از رفقای هوادار ضمن سخنانی بسیار ارائه تحلیلی از اوضاع سیاسی کنونی علل اساسی یورش ارتجاع به کردستان و دانشگاه را در شرایط کنونی توضیح داد. شعرها و کدهای فراوانی برنا ماه خوانده میشد و اخبار جدیدی که از کردستان در اختیار جمعیت گذاشته میشد، شور انقلابی با شکوهی به فضایی مراسم می بخشید.

رفیقای از دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان در پایان برنا مضمون سخنانی تحت عنوان "فرویت وحدت عمل نیروهای مترقی سیاسی - دانشجویی" به تشریح موضع اصولی و انقلابی هواداران در دانشگاه پرداخت و با برخورد به مواضع متزلزل برخی گروههای دانشجویی اتخاذ سیاست مقاومت جویانه و احادی در مقابل یورش ارتجاع به دانشگاهها را خواستار شده و دیگر گروههای انقلابی دانشجویی را به وحدت عمل دعوت نمود.

★ مسجد سلیمان

روز سه شنبه ۵۹/۲/۶ را هیمائی با شکوهی بمنظور محکوم کردن تهاجم وحشیانه رژیم به کردستان و دانشگاهها برگزار شد. این راهپیمائی به صورت هواداران "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" از فلک بخت برج آغاز شد و در انتهای خیابان اجلی شهر با تظاهراتی همراه با هیمائی بسیار در این راهپیمائی گروهی از مردم مبارز و نیروهای انقلابی مسجد سلیمان شرکت کرده و نشان دادند که هیئت حاکمه قادر نیست با نماندنیهای مرعوب کننده از قبیل "انقلاب فرهنگی" و "جنگ با عراق" مردم را فریفتند و از این طریق دانشگاهها و کردستان تهران را بخاک و خون بکشد. آنها شعری دادند:

"کردستان، دانشگاه هیبتت را میارک"
"کردستان، کردستان، گورستان فاسیتان"
"دانشجو! مقاومت، مقاومت، از سنگر آزادی محافظت، محافظت"

قطعاً مای که در پایان راهپیمائی ترائست گردید، ضمن تجلیل از سنتهای مبارزاتی دانشگاهها توسط رژیم را که تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" می خواهد این کانون همیشه جوان انقلابی را سرکوب کند، افشا نموده و جنایت اخیر رژیم را در دانشگاهها و کردستان که دقیقاً در ارتباط با همدند، شدت محکوم کرده است. قطعاً ما در پیکار ربهی هیئت حاکمه را در مورد راهپیمائی صدام آمریکا و جنگ زرگری اش با رژیم بعث عراق رسوا ساخته و در پایان خواستار آزادی کلبه دانشجویان زندانی، آزادی فعالین صنفی - سیاسی دانشجویی شده و سپس از کلیه نیروهای انقلابی دعوت نموده است تا متحدانه توسط هیئت جنایت کارانه رژیم را درهم بکوبند.

★ آبادان

روز دوشنبه ۵۹/۲/۸ بدعوت "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر"، "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر"، "گروه گلسرخ" و "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" تظاهرات با شکوهی بمنظور دفاع از دانشگاه و همچنین محکوم نمودن سیاستهای کردستان و کشتار خلق کردی برگزار گردید. این تظاهرات که با استقبال وسیع مردم شهر و روستاها نگر خشم و نفرت مردم از کشتارهای اخیر و ویژه جنایات هولناکی بود که در جریان حمله ارتجاع به دانشگاهها صورت گرفت، در طول راه هیمائی مردم دست به صف یکپارچه را هیمائی می پیوستند و همگام با هم جنایات رژیم را محکوم می نمودند و با سخن علیرغم هم آه سبهاشی ها و هشدارها می بود که در آید و آبادان علیه هرگونه تظاهرات برابر انداخته بود. طبق معمول عدهای اوباش و اراذل در انتهای صف راهپیمایان حرکت کرده و قصد برهم زدن این تظاهرات را داشتند. ولی این عده توسط کارگران کردی که در پی از بعنوان باربر کار می کنند تا رومبار شدند. کارگران کردی احساس غرور از شمارمهای کوبندهای که توسط راهپیمایان علیه سرکوبگران خلق کرده اند میسر تا رومبار کردن اخلالگران، خشم خود را از سیاستهای رژیم نشان دادند.

تظاهرات تا مقابل سینما رکس آبادان ادامه یافت و در آنجا ضمن همدردی با خانوادههای بازماندگان فاجعه سینما رکس که برای افشای پرونده آن فاجعه و محاکمه عاملین جنایتکار آن متهم شده اند، ضمن صدور قطعنامه‌ای با بیان پذیرفت قطعه مضمون محکوم نمودن جنایات اخیر رژیم در کردستان و دانشگاهها و اعتراض به عدم انقلابیون و سایر تظاهرات خواستار افشای پرونده فاجعه سینما رکس و مجازات عاملین این فاجعه شده بود.

★ آمل

روز سه شنبه ۹ اردیبهشت ماه بدعوت هواداران سازمانها و گروههای سیاسی از جمله هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - هیمائی بمنظور محکوم کردن تهاجمات اخیر رژیم به کردستان و دانشگاهها و همچنین تجلیل از شهیدان دانشگاهها برگزار شد. در این راهپیمائی که با استقبال مردم روبرو شد بلاگاریها میمند که بر آنها نوشته شده بود: "خون شهدای اندیمشک کردستان و دانشجویان مبارز و انقلابی، الهی بخش مبارزه مکرر تکی و فدا میرا لیبستی مردم است." راهپیمایان شعری دادند: "زحمتگان بداسید، آذرخشین ما دوباره تکرار شد" و "گشاد در کردستان کشتار در دانشگاه علیه زحمتگان سنج امیرالاسم" و ...

"انقلاب فرهنگی" همچنان ادامه دارد

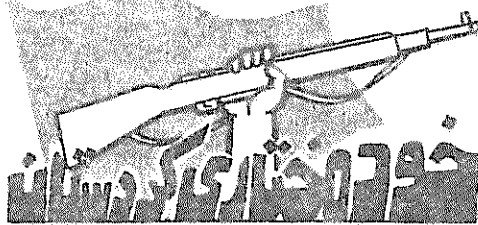
روز یکشنبه ۵۹/۲/۱۱ از طرف دانشمندان "انقلابی" به برورد اعلامیه‌ای صادر شد که در آن از دستگاههای کتابفروشی کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و فضا "یا شده و ۲۳ ساعت مهلت برای برجسته شدن آنها میدهد، لیکن ما موران دانشمندی انقلابی یعنی جماعتداران و جاقوکان حرفه‌ای زودتر از مهلت مقرر به کتابفروشیها حمله ور شده و با آتش کشتن کتابها، با ردیگر دشمنی خود را با علم آگاهی بنمایش می گذارند. در این "انقلاب فرهنگی" کتابفروشیها و اداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نیز طعمه حریق میشود. لیکن کار به همین جا ختم نمیشود و آنها برای گسترش "انقلاب فرهنگی" خود را جرمی شونده که خانه‌های انقلابیون و مبارزین شهر حمله ور شده و آنها را نیز با آتش بکشد. بدینال این تصمیم به سراغ خانه‌ها نندیدای سازمان پیکار در راه آزادی میروند که مخالفت همسایه‌ها روبرو شده و بنیاب شکستی شیشه‌های خانه‌ها کتفا می کنند!

حمله چماقداران "حزب الله" به خانه رفیق قاسم عابدینی در بروجرد

مدهشت که در اردیبهشت "حزب جمهوری اسلامی" فرما نداد و در دانشمندان انقلاب و ایادی آنها از روحیه مبارزه جویانه و خستگی ناپذیر رفقای هواداران سازمان در بروجرد (مانند هراجهای دیگر) خشمگینانه تظاهرات روزی را می کشیدند که بتواتر شده است. بدست آوردن و نیش خود را با این فرزندان انقلابی مردم بروجرد فرو برند و از فعالیت انقلابی افشاگران به وسیله روزی آنان با اصطلاح جلوگیری کنند. این هدف چندین بار با آتش زدن کتابفروشیها و از جمله کتابفروشی رفقای هواداران سازمان و همچنین حمله به دهکده‌ها بناطیائی که روزها به پیکار ۱۶ آذر ۱۲۰ آبادان و سایر تظاهرات سازمان و هواداران آخر می فروخته دنبال شد. اما با بطول یافتن و روحیه رزمندگانه رفقای هواداران که طبیعتاً از سختیائی نوده آنگاه مردم برخوردار بوده است رومبارت می نمود.

دا روسته فوق الذکر بعد از آتش زدن همه جا نندیدای که هیئت کارکنان برای سرکوب انقلاب آغاز کردند و از اشغال دانشگاهها و حمله مجدد به کردستان شروع شده و تعدادی از دانشجویان انقلابی را به سپاهت رسانده و با محروم دستگیر نمود، با اواخر روز و روز بعد از این یافتند! جنایات یک بار که فدا و جنگ آفرینی و اهداف سرچشمه هستند که در کردستان دیده شود. مستمکنی بندری زمینچینی و حمله وحشیانه به کتابفروشیها که توسط با ساداران جماعتدار رومبارت شده و تعداد معدودی از دانشمندان و خودهای با آتش را بدینال حمله انداخته بودند.

بعد از آتش کشیدن و تحریف کله گناهان و شیعیان مترقی و دهکده‌های وابسته آنان (و از جمله دهکده‌ها و کتابفروشی رفقای هواداران را با) طرقت ساداران "حزب الله" یعنی با ساداران نشاندار که سادان می باشد در حمله ۱۳



گواهی یاد خاطره رفیق شهید هادی فرجاد پزشک



"بین ما و میریالیسم درهٔ عمیقی وجود دارد که با پیدا زغا کستر کمونیستها پر شود."

(هوشی مین)

چهار سال پیش در دوازدهم اردیبهشت ۵۵، یکی دیگر از رفقای ما جان خویش را در راه مبارزه با پیکرو آشتی ناپذیر میریالیسم و عمال داخلیش و در راه رهایی کارگران زحمتکش از میهن فدا کرد.

رفیق هادی فرجاد پزشک (سعید) در سال ۱۳۳۳ در خانواده‌ای متوسط در شهر مشهد متولد شد و تحصیلات دبیرستانی به اتمام رسانده و اقتصاد تهران را به اتمام رساند.

فعالیت‌های صنعتی - سیاسی او در دوران دانشجویی از کوهنوردی گرفته تا تشکیل کتا بخانه و مشارکت

مالیتهای شعری، زمینه‌های بود که رفیق را

مردم بیشتر به مثل روز آشنا تر کرد. آنگاه او نسبت

به مسائل سیاسی جامع و وظایفی که در عنوان یک

روشنفکر انقلابی می توانست بعهده بگیرد او را -

دانش که با سازمانهای انقلابی آشنواریها که بگیرد

و در میان خون و آتش علیه رژیم خونخوار شاه مبارزه

می کردند شمس بگیرد و در انجام توانست در تابستان

۵۴ عضویت بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق

ایران دریافت. او در شاهنشاهی فعالیت انقلابی

خود مشغول شد. زمانیکه او به سازمان پیوست مصاف

بود با ضربات سختی که در تهران و شهرستانها به بخش

منشعب و دیگر سازمانهای انقلابی وارد می آمد و

رژیم شاه و حشیا نهترین روشها را علیه انقلابیون جهت

سرکوب آنها بکار می برد. ولی شور و شوق فداکاران

رفیق و عشق و علاقه‌ای که به خلق داشت و کینه‌ای که

نسبت به رژیم فاشیستی و وابسته به میریالیسم شاه

در دل می پروراند، او را در راهی که انتخاب کرده

بود، هر چه تا بیت قدم ترو را سخت می ساخت.

رفیق که پیش از پیوستن به بخش منشعب، اید -

وژی طبقه کارگران پذیرفته بود، با روحیه خستگی -

ناپذیریک کمونیست با مشکلات برخورد می نمود و

علیرغم مدت زمان کمی که در سازمان فعالیت نمود،

توانست در احیاء فعالیت انقلابی سازمان در مشهد

پس از ضربات سنگینی که بدان وارد آمده بود، نقش

جنگجوی ابقا نماید.

او در موضع مسئول تشکیلاتی مشهد فعالیت می -

کرد و بسیار با استعداد، پرکار و خلاق و با هوش و مادی بود.

در ۱۴ اردیبهشت ۵۵ هنگامیکه در یکی از تظاهرات

یک انبساط زمانی رفته بود، با مزدوران ساواک

درگیری شد. این انبساط در شهرک "ساحتمان" در حومه

مشهد قرار داشت. یکی از رفقا که در آن زمان نخست

مسئولیت رفیق فرجاد پزشک فعالیت میکرد مینویسد:

"محل انبساط رگوبیا بوسیله ما مدتها بخانه که

عنصری ساواکی بود کورفته بود. رفیق دیگری که

مسئول انبساط بود، قبلاً به آنجا سرزده و دستگیر شده

بود، او مسلح نبود و به حسن ابد مهم محکوم شد. برای

ما مشخص نبود که رفیق مسئول انبساط دستگیر شده

است و یا توجه به محله کردنها دستگیری های وسیع

خسانا سی آن روزها در مشهد انجام می دادیم که او

در شهر دستگیر شده است. ما از سرزدن او به انبار خیر

بداسیم (در آن زمان، هنوز اسنسم را که قبل از

مراجعه به انبارها با نگاههای علامت بزنیم و بعد با ک کنیم اجراء نمی کردیم.)

"رفیق هادی وقتیکه به انبار نزدیک می شود،

بوسیله ما موران ساواک که از قبل در محل مستقر شده

بودند محاصره میشود. او علیرغم محاصره شدید منطقی

با روحیه ای رزمنده دست به مقاومت می زند و با برتاب

نازنجک به طرف ما مورین وزغی کردن شتی چند از

مزدوران، از حلقه محاصره خارج میشود و با در یک

وانت با برای دور شدن از دسترس پلیس طرف شهر

حرکت می کند. فاصله ۱۵ کیلومتری شهرک "ساختمان"

تا مشهد را درحالیکه مزدوران در تعقیب او بودند با

جنگ و گریزی می نماید. بعد از آن به علت توقیف

وانت در راه بدان (پنج راه) با شش خیا بان مشهد

از آن پیاپی شده و با ما در یک موتور، به فرا رخسود

از جنگ پلیس ادا می دهد و او را در بیلو رک می بندند

میشود. در این خیا بان نیز جنگ و گریز ادا می نماید

ولی مزدوران می توانستند ما شین بیا و نزدیکی شوند و گویا همین زمان موتور به زمین می افتد و رفیق که دیگر گراهای نداشته است بعد از نلیک آخرین گلوله های سلاح خود و استفا ده از قرص سیانوریدست ما موران جلاد رژیم می افتد و به شهادت می رسد. در اینجا تذکر این نکته را لازم می دانیم که در آن شرایط سخت و جنگ وحشیانه ای که جلادان ساواک و کمیته برای نابودی هسته های انقلابی و انقلابیون بکار می بردند عملیاتی نظیر ما در وانتهای ما موتور ابری طبیعی می نمود، انقلابیون در جنگال ساواک و در شیردهای نابرابری که بدانان تحصیل می شد، نگاهنا گزیری شدند علیرغم میل خود، انوع - سل با وسیله ای دیگر ما دره کرده و از جنگ دشمن فرار کنند تا بتوانند به وظایف انقلابی خود عمل نمایند و در این حال با جاشی که سومبیل را پارک کرده و رها نموده اند به اطلاع ما حش می رسانند. با اگر می توانستند آنرا جبران می نمودند. رفیق انقلابی رفیق فدائی شهید احمد زبیرم که بهنگام درگیری با دشمن ناگزیر شده بود که در بزرگن همسایه را از او بگیرد و در جانی حالی بول با رجه را به او داده بود، زیرا نزدگسانی بود که در سال ۵۸ فعالیت های مبارزاتی آنرا مان را تعقیب می نمودند.

با شهیدانی که در آن شرایط دشوار، در آن زمان که انقلابی بناهای امروز را حرارت کوچکترین اقدامی علیه رژیم نموده، سر تسلیم و سازش فرموده نساوردند و در راه مبارزه با میریالیسم آمریکا و عمال داخلیش و برای رهایی زحمتکشان سارایسا شناختند و هموار در تار تار رخ مبارزات در خان زحمتکشان و روشنفکران انقلابی میهن ما جانیدان است. با در رفیق هادی فرجاد پزشک در جوار رحمت ما انکسود شهادت گرامی باد.

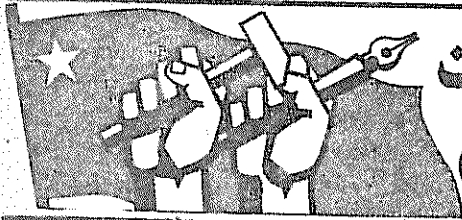
کرده است جمله می برند؟ چرا این طرفداران "حزب الله" سوراخ دعا را نگم کرده اند و بجای مبارزه با دشمنان خلق به خود داده، یک رفیق که بر علیه نظام سرمایه داری وابسته و عمال رنگ و وارنگ آمریکا - لیسم مبارزه می کند، جمله می برند؟

چرا طرفداران "حزب الله" (و در واقع طرفداران جمهوری اسلامی) اگر در این عمل خود خفا نیست میبندند و اگر حقیقتاً جزء مردم هستند صورت های خود را با نقاب می پوشانند؟! چرا ضحی گدا را بدینا بردیم؟ ایسا را بشناسند؟ چرا اسان نمی دهند که با اسداران در لیبای گویا گویا آسود نسا نموده و جان مردم اماده اند؟ در کردسان همرا با اسان جمهوری اسلامی ما نمک و حما را، در زانگها با نسا، سحی مسلح به خود میدهند و حفا و طلاچه در هر کجا که آسوی نسا میبندند؟ نقلاب حمله میسود، با سداران ارتجاع و حیرت جو را از حزب جمهوری اسلامی، ما واکنشهای ساق و... حصورا رند!

برای برداشتن سئوال حلی جدی بر مطرح شده که سن حملده و اس کسیدن مسائل انقلابیون را از او دست جا نموده های آن و اسجا دمیکند. رع و و حش ما مبارز برای استقلال و آزادی و آزادی و آزادی میان بردن سکاری، گرسنگی، فقر، فحشا، انحصار و... جزو ابطه ای وجود دارد؟ ... جزو اسطه ای وجود دارد؟ در حالیکه انقلابیون جان نکل ما برای همس خدینا با عمال امبرالیسم مبارزه می کنند.

چهره عریان رویز یونیسیم در هنر

هنرمقاومت هنرپرولتاری



دیرزمانی است که رویز یونیسیم در هنر، علیه لنینیسم در هنر بیخاسته است، ادبیات و همه انواع رشته‌های هنر را، آنجا که زیر سلطه رویز یونیسیم معاصر، زیر سلطه ایدئولوژیک سوسیال امپریالیسم، زیر سلطه "احزاب برادر" قرار گرفته است مطالعه کنید، ورق به ورق، تصویر به تصویر، واژه به واژه، انعکاس روحیات، ایده‌ها، خواسته‌ها، اهداف و ادراکات زیبایی‌شناسانه رویز یونیسیم را در آنها خواهید یافت، دیرزمانی است که تمام ما رگسبتهای سراسر جهان بی برده‌اند هنری که در روسیه را نشه می‌شود، تبلیغ می‌گردد و آن رسماً پشتیبانی بعمل می‌آید، هنری نیست که در خدمت مبارزه طبقاتی پرولتاریا، در خدمت دگرگون کردن روحیات و طرز تلقی کهنه‌سورزوانی، در خدمت دیگتاتور پرولتاریا قسراً گرفته شده، در آثار هنری وابسته به آنان به دستاورد‌های لنینی به عنوان ادراکات خشک اندیشانه و "دگم" لعنت فرستاده می‌شود، آنان به تبلیغ بشر دوستی ما و آراء طبقاتی می‌پردازند، آنان با کینه به‌درد ما رگسبست - لنینیستی از حقایق اجتماعی از معنای واقعی جنگ و صلح، عشق و نفرت و خوشحالی و تیره‌روزی در قالب طبقاتی، روی برمی‌تابند و بسود با زنگشت به طبیعت خالص "انسانیت" علیه مبارزه طبقاتی برمی‌خیزند، آنان برای آنکه هر چه سریعتر "کمبود" های را که در این زمینه دارند دفع نمایند حاضر به خرج مبالغ کلان و فراخواندن فیلمسازان لیبرالی چون کورسا و میشوندا در فیلمی چسبون "در سوازولا" معاً و اجناً "طبیعت نهان انسانیت" را در آورد و بجای تصویر "انسان" در متن نبرد طبقاتی، به مدیحه‌سرایی و روایت اسرارآمیز و غلغله‌های ماوراء طبقاتی انسان و طبیعت در جا معطیبتی بپردازد، آنان اهمیت جنون آمیز به ستایش احساسات بورژوازی، دل‌تنگی و تنهایی بورژوازی و انفرد منشی می‌دهند (۱)

نازلترین، پست‌ترین و غیر خلاقانه‌ترین هنر دلقک منشا نه‌وینی روح محسوب می‌گردد، هنری که در تمام کشورهای "برادر" از طریق مطبوعات و رادیو تلویزیون بگونه مبتدلی را از لحاظ طرز معنویات بورژوازی و بی بندوباری را در پیش گرفته است و همراه آن به تبلیغ ایده‌های سورژوازی، به تبلیغ آستانه‌نویسی "سوسیالیسم" شوع جدید در پیشگاه سرانبار داری، به تبلیغ همزیستی مساومت آمیز "انسانی" مبادرت می‌ورزند.

هنری که فراقوش کرده است باید "بخشی" را سر مشترک پرولتاریا، بیچ و مهره‌ای از یک مکانیسم عظیم سوسیال دمکراتیک شود" (۲)
جوخرای زمانی - آن زمان که در چین راه سوسیالیسم، راه سرما یه‌داری را در هم می‌کوبید - به هنرمندان ما رگسبست آنجا کینه توزانه حمله می‌کرد و می‌گفت "فیلمهای چینی نمونه طرز تفکر دگماتیک و ضد هنری هستند"، آنها "احساسات را مجسم نمی‌کنند" "هنرمند چینی با دگماتیک و منطق به تنهایی نمیتواند فیلمهای خوب بسازد" (۳) و این متعلق به دورانی بود که در چین دیگتاتور پرولتاریا حاکم بود و در "قرا رگمیت مرکزی حزب کمونیست چین در مبارزه انقلاب فرهنگی پرولتاریا" تا کینه می‌گفت: "در حال حاضر هدف ما برای تسهیل در استیلا مورشید و تکامل نظام سوسیالیستی عبارتست از مبارزه در هم کوبیدن آنان نگه در موضع قدرتمند در راه سرما یه‌داری گام‌ها ده‌اند و اتفاقاً دوطرفه "منقذین" آکا دمیسک بورژوازی مرتجع و ایدئولوژی سورژوازی و سایر طبقات استیلا رگت تغییر آموزش و پرورش ادبیات و هنر و بلاخره تمام بخشهای دیگر روپنای اجتماعی که با زیربنای اقتصادی سوسیالیستی وفق نمیدهد" (۴)
اما مطمئناً امروزه با تفاخر در چین از رهروان راه سرما یه‌داری اعاده حیثیت شده است و دستاورد های دوران دیگتاتور پرولتاریا، بی برده‌پوشی محکوم می‌گردد، جوخرای نمیتواند علیرغم همه جنگ و دندان نشان دادنهای ضد انقلابی دولتهاشان در دل احساس رضایت ننماید، نگذیریم، هدف اصلی ما در این مقاله ترسیم شرایط جهانی هنر رویز یونیسیم نیست، هر چند خود مقوله است که امروز هنر ما رگسبستی بنحو مبرمی نیاز به مبارزه با آن دارد، نکاتی که بصورت مقدمه ذکر شد تنها اشاراتی است به هنر رویز یونیسیم تا زمینه را برای برخورد به رویز یونیسیم، در هنر همین جا و همایک، در متن مبارزه طبقاتی حادی که بسا پوست و گوشتمان آتش‌گدازنش را احساس می‌کنیم و بسرعت در حال پیشرفت است فراهم آوریم، هسند فبررسی هنری است که حزب "نوده" مبلغ آنست و بی‌بزه بررسی اشعاری که در روزنامه "مردم" چاپ رسیده است. در مدت ۱۵ ماهی که از نشیدن صدای سوت توطئه آمیز ما رهای سوسی حزب توده، در شرایط پس از انقلاب نیمه‌تمام خلق ما میگذرد، در زمینه هنر همچون دیگر زمینه‌های فعالیت اجتماعی با راه‌ها مشاهده شده است که آنان با چهره مرکزی نه مسموم کردن آکا‌های شده‌ها و بی‌بزه‌طبعی رگبردار خنده‌اند.

مسافرین راه سرخ

شعر "مسافرین راه سرخ" را رفیق ح-م محل کارگر، با نام مستعار رگبار برای ما فرستاده است. قسمتهای از این شعر را می‌خوانید:

مسافرین راه سرخ
ما را همان راه بیوندها ست
راه بیوندستاره‌های سرخ
راهیگانه رهبر زمین
راه کارگر

راه نزدیکی به راه‌های
راه متحد در خنجر
راه سرزگر

آی ... آی
چگشت را سردار
کارگر!
که زمان بیگانه‌ها فرار رسیده است.
آی ... آی
داست را بردار
بزرگر!

که زمان رهائی از ستم‌ها فرار رسیده است.
راه‌ما
راه جنگ است
فارسیدن به ستاره‌های سرخ
و چیدن آنها
با بهار صغان آورند دنیای خالی از ستمها ...
بشساب
که تا صبح چیزی نمانده است
ما مسافرین راه سرخ
مقصود را یافتیم
و در امتداد جاده‌های رنج
بیکار می‌کنیم

پشتیبانی شده اند و تبلیغ کرده اند، بالاترین حد ما هیتا همگون هنری بوده است که هیتا حاکم ضد خلقی آنها همه داده است و مهرتائید بر آن زده است. هیتا حاکم چگونه هنری را مورد قبول قسراً داده است؟ چگونه هنر مورد پشتیبانی حزب توده ما هیتا با آن سازگاری داشته است؟
مدت ۱۵ ماه است که سینماها، کماکان محفل ناخوش و نا زهنرا میریالیستی و هنر و روپنای برور ضد انقلابی هستند. اخلاقیات مزورانه سورژوازی مقنعه و نقاب زاری برداشته است و بر برده‌های که پست‌ترین امثال در آن برهنه می‌گردند با روحیاتی که امپریالیستی مبلغ آنند، همگونی خود را با مانده است. آستانه‌لیانی احساسات فیلمسازان هر روز هر شب با امتیازنا‌های رسمی به خورد مردم آکا‌ها و نحت ستم‌داده‌مسموم، در این میان آن رورسوسی هم می‌صیبت ستم‌داده‌ها و هیتا حاکم‌ها را داد است

هنری که در این مدت آنان را شاد کرده است.

با چه چشمپوشی سازگارانه‌ای، آنان را تحمل میکنند چرا که منافش را بختر نمی‌اندازد.

فیلمهای مثل "شب روی شبلی" که وظیفه‌سهای نادرند مگر سرپوش نهادن به علل واقعی شکست آئینده و زدودن بی اعتباری راه‌های غیرسرمایه‌داری مدت‌ها روی آکران سینماها میماند تا نقش ویژه خود را ایفا نماید. یعنی آنکه بطور ضمنی زیرکوش کارگر - آن و همه زحمتکاران دست از پیکار انقلابی شسته، بخوابند که مبادا دست از پیکار بکشند و با "دولت" بسسه مبارزه بر خیزد که خدا انقلاب خواهد بود. همچنین در همین مدت هیئت‌ها که زیر لوای پشتیبانی از هنر انقلابی آثار می‌سازند "جان بازان فلسطین" را نسبه تنها در آکران عمومی سینماها بلکه در مساجد و حسینیه‌ها با رها و با رها بنما پیش می‌گذارند تا آثاری دست ساخته سرمایه‌داران صهیونیست که در ظاهر فیلمی است در باره مبارزات انقلابیون فلسطین و در اصل فیلمی است علیه مبارزات انقلابیون فلسطین، آثاری که بی‌حقانیت بی‌درمانانه تامل فلسطین برده می‌کشد تا تماشاگران را کور کند و انقلابیون فلسطین را در هر روز بیست‌ها و چهل‌ها ندهای جدیداً تولید شده‌ای نشان دهد، آثاریکه علل تاریخی این پیکار را شرافتمندانه نودوده‌ای را زیر پا له میکند، آثاری که ساحت دست امپریالیست‌هاست و سخنگوی آنجمن سینمای فلسطین در مورد آن می‌گوید:

"این فیلمها آثار مظلومانه‌ای است که از احساس برجح اتحاد خلق عرب نسبت به نهضت فلسطین به شیوه بازاری و شومی بهره‌برداری میکنند؛ گناه این فیلمها اینست که از مسائل جدی نهضت غافلند و رابطه نیروها را بدرستی نشان نمیدهند. این فیلمها میخواهند بگویند هنگامیکه نهضت ما شروع کردیم تحمل فشار و خنیا نه مردم ترا درک نکردند، این فیلمها ساخته شده اند تا این باورها در مردم باقی بماند که فداکاران چیزی هستند در مره "سوپرمن" و تارزان و زورو ..."

مدت ۱۵ ماه است که اشعار مبتذل ضدانقلابی در مطبوعات نشان چاپ میشود و در آن به توده‌ها القاء میگردد که انقلاب پیروز شده است و با لافچه هیئت حاکمه در رفته‌های هنر، اگر چه با ضعف و ناتوانی می‌کوشد مقتضیات خود را پیش برد و متقابلاً با تمام نیرو کوشیده است. هر چند به سبب اعتلا انقلابی در این زمینه هم موفق نشده است - که بر آثار رهبری انقلابی غلبه کند.

انقلاب هنر انقلابی را می‌پرورد، آثار توده‌گیری چون عباس آقا کارگزاران ناسیونال (عسیر غمگین اختلافات ایدئولوژیکی که میثاق ندهد را زبانی آن بروز کند) بعنوان یک نمونه تئاتر تریه‌جی - تبلیغی در کوچه و بازار نمایش داده میشود. دسته‌های کسور سازمان یافته با سو استفاده از آگاه‌های تعدادی از مردم به آن یورش می‌برند، صحنه تئاتر به صحنه بنگار بدل میشود، اما آب آزاب ننگان نمی‌خورد و سکوت زبانت آمیز "بالائی‌ها" مهرنا شیدبران می‌زند، هما نگونه که با بنگا و بنگا طرح ارتجاعی معیزی و ناسور آثار ادبی و هنری بسیاری آریا مهری از طرف بالائی‌ها اعلام میگردد و در یک کلام آنچه که تا کنون دیده‌اند است نفرت هیئت حاکمه از هنر انقلابی تبلیغ ایده‌های نوه‌ها و ضد انقلابی و ناسعد عواطف و احساسات مخالفان مبارزات توده‌هاست و اولین همان مضمونی است که در آثار هنری روبریونیستهای

چاکر مآب "توده" ای به خوریکار گرفته میشود و خط فعلیت شان را تشکیل میدهد.

در نما یگانگای نقاشی هنرمندان وابسته به حزب توده، پرتره‌های عریض و طویل رهبران فساد انقلاب، بعنوان انقلابیون قابل ستایش بنما پیش گذاشته میشود و بی‌توجهی خدا انقلاب تقدیس میشود و متقابلاً روبریونیست‌ها ی حزب توده در روزنامه مردم هنرمندان انقلابی را مورد فحاشی و قیحا نسه قرا رمیدند و در اصل نقش هشداردهنده ارتجاع و ضد انقلاب را ایفا میکنند که: ببینید در آثار آنان نشانی از ستایش شما یافت نمی‌شود!

و از این وقیحا نتر، آنان خود مستقیماً بسروکوب هنری که تمبخواهد و وظیفه آستانه نبوسی هیئت حاکمه را بعهده بگیرد و می‌کوشد چونان آزاری آگاهانه در خدمت نبرد آشتی‌نا پذیر طبقه‌هاست، شده‌اند. می‌برد از زند (۵)، نویسنده‌گان خود فروخته حزب توده در سال گذشته بدلیل خرابکاری‌های تحمل‌نا پذیر و نقش ارتجاعی خویش از تشکل هنرمندان و نویسندگان - کانون نویسندگان ایران - اخراج شده‌اند (۶) و سپس شیادانه و ملتحمه‌نهری‌های هیئت حاکمه سودند که آری ما طرفدار شما بوده ایم و از این رو آنان ما را بد بیرون برتاب کرده اند و این ترتیب توطئه‌ای به توطئه‌های خود افزوده‌اند.

این دو خط از فعلیت هنری بوده است که هم‌سازی ماهوی آن و همخوانی عملکردهای آن آشکارا پیدا است. بدینگونه است که می‌کوشیم حزب توده با سیاست روبریونیستی خود در هنر درکنار هیئت حاکمه قرار بگیرد. اکنون برای آنکه هر چه عینی تر و ملموس‌تر حقایق فوق الذکر را نشان دهیم، در یک رشته زهنر یعنی شعر، مروری بر آثار روبریونیستهای حزب توده که در روزنامه مردم چاپ شده است میکنیم تا آشنایی شما نماید. خدعه‌گر بی‌بای خائنه حزب توده در هنر شما (ادامه دارد).

پاورقیها

- (۱) - در زمانهایی که چندین دور، بسیار کم‌تر از ۱۰ سال پیش، آن زمان که جنبش نویسنده‌گان ایران به سرزبندی قاطع و سازش‌نا پذیر خویش با روبریونیست‌ها می‌گردد و می‌کورد و کشور شوروی را کشوری بورژوازی بحساب می‌آورد، درک خلعت بورژوازی ادبیات و هنر روسیه برای انقلابیون کمونیست مشکل نبود. آن زمان همه این را بر خلاف امروز می‌پذیرفتند و کشورهای روبریونیستی بسیاری رفتاری فداکاری بنام "اردوگاه سوسیالیسم" نام نمی‌بردند. آری، آن زمان رهبران سازمان جریکهای فداکاری خلق، تبادل‌ها و مومنی‌ها بودند که پرچم مبارزه علیه روبریونیسم را به ما بسسه دشمن انقلاب برافراشته نگاه داشته بودند، خوب است نگاه کنید به "آذربایجان و مسئله ملی" نوشته علی‌رضا نا بدیل از رفتاری اولیه سازمان جریکهای فدائی خلق بیاندازیم: "... بنگاهای صفحه سرکنی انگلستان یا متحد که صفحات موسیقی با کورا در تهران و سربزر جدید چاپ کنند و یکی دوسال بعد کما بفروشند، مطبوعات ادبی با کورا و اردنچرا کردند، در واقع با روبریونیست‌ها می‌آفریند فرهنگ بورژوازی در شوروی دیگر هیچ خصوصیت "خطرناکی" در مطبوعات ادبی آن کشور یافت نمیشد تا نباری به خلوق‌گیری باشد" و "با آغاز عصر خروشی... آثار ادبی جناب شوروی به چنان حدی از استدلال رسید که او فساد نگاه - های ناسور ایران توانستند حد اکثر عمداً را نسبت به آنها داشته باشند. بعنوان مثال مجلس

ما هیانه "آذربایجان" که با مباحث سنگین ترین مجله ادبی آذربایجان شوروی است، حتی خیلی پیش از آنکه در ایران عرضه شود، در سطحی پایین تر از میثاق ترین و توجالیترین مجلات ادبی ایران قرار گرفت. در این مجله هیچ مطلبی که خصومت فدیورواشی داشته یا دشمنیتوان یا فحاشی اثری که حاکی از دیدگاه تریالیستی دیا لکتیکی نویسنده یا دشمنانده نمیشود، حقه‌های روبا تشکیک مبتذل و تهیوع آور، اشعار توجالی و "مدرن" مقالات تحقیقی در جسد استادان نیردا تشکده‌های ادبیات ایران، جنبش است محتوای مطلوبی ادبیات شوروی، این امر به ارتجاع ایران فیما بین که برخلاف گذشته‌ها به از نا نیرشمال و ورود مطبوعات شوروی نرسی داشته باشد. برعکس ادبیات روبریونیستی می‌تواند به خواننده‌های ایرانی بشما ندکد بگردوره قیل و قالیهای انقلابی گذشته است و اکنون دوره صلح و عشق و مجالس دانش و موسیقی جا ز است ..."

- (۲) - لنین - تشکیلات حزب و ادبیات حزبی.
- (۳) - نمونه‌های از هنر روبریونیستی - جانگ کواک نی‌ین.
- (۴) - بدینوسیله است که منظورنا شده همه عملکردهای حزب کمونیست چین در دوران قیل از حاکمیت روبریونیست‌هاست.

(۵) - در تالیفات عملکردهای ارتجاعی حزب توده، جنسی پیش اعلامیه‌ای بدست ما رسیده بود که خبر می‌داد در فومن، طی اجرای نماش آخرین رقص بورژوازی (از زمین‌ها یک صحنه) نوشته می‌گولدا و تگا آلوارز، نما یگانگای که حول مبارزه آشتی‌نا پذیر کارگران علیه سرمایه‌داران دور می‌زد و گوگویی با شرایط کنونی جامعه تطبیق داده شده بود، جوانان دموکرات و وابسته به حزب توده با صدرا اعلامیه‌ای جماعی بدستان را برای یورش به نما یگانگای مسیح کردند و پیکار گروه نما یگانگای توده را به کمیند و سیاه پاسداران کشیده شد ...

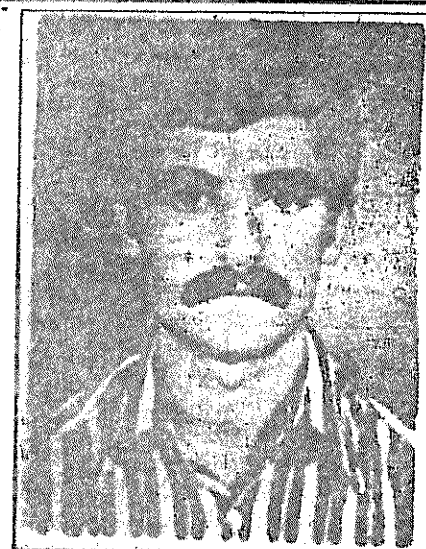
(۶) - طبیعی است که ما ضمن نا شنیدنیون ریختن بلندگوهای حزب توده از کانون نویسندگان بهیج وجه قصدنا ریم لیسرا لیمی را که مدتهاست در رگ و ریشه این کانون لانه کرده است، سرپوش گذا ریم و نگوییم که کانون نویسندگان نشنا از طریق مرزبندی با ما هیت لیسرالی نا درخوا هدیدونش انقلابی بیعهد گذرد و به ملزومات مبارزات توده‌ها پاسخ گوید.

بقیه از صفحه ۱۴ جمله ...

اما کمینسدا زنده‌های آگاه مردم که بدنیاست جواب این سئوالات خود را شنیده‌اند، آنگاه تمهیداتند که با سدا زان، سا واکتپای سابق، تمهیدکنان و... کد سوسله حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی، فرماندار دادستان انقلاب و... جبر می‌نویسند برای عرب‌زده به انقلاب برای خالی نمودن خنم و کیند رژیم حاکم نسبت به انقلابیون و کمونیستهای واقعی، برای نس ره‌آکین فرورکردن بدخلق و خلاصه برای دنیای رفاه نظامی سرمایه‌داری و وابسته یعنی اسن عامل فساد و فساد و فساد و فساد است که دست مدحین اعمال حاکمیت را سدا می‌زنند. آنگاه سوراخ دعا را کمیندند. مد آنها خوب می‌دانند که همین کمونیستهای واقعی و همین انقلابیون اصل هستند که دشمنان حقیقی نظام سرمایه‌داری وابسته، و دوسان طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران هستند و بی‌همین خاطر هم هست که مورد آزار روبریونکد، کسا روزندان قرار می‌گیرند. آری چندی است که در عمل سبب روبریونیسم جمهوری اسلامی و روبریونیسم وجودنا ردا!

جاودان باد خاطره پیشمرگه شهید کاک عبدالکریم شریبتی

ای مرغیای طوفان!
بروازتان بلند
آرامن گلوله سربی را
درخون خوبشتن
اینگونه عاقتا نه پذیرفتید ،
اینگونه مهربان .
(م . سرشک)



گرامی باد خاطره معلم و پیشمرگه شهید رفیق نجم الدین شیخی

"ما از مرگ نمبهراسیم ، همچون
برنجزارهای "جه هوا" هر سال
درو میخویم ، اما سال بعد بر
بارتری روئیم ."
"هوشی مینس"



باردیگر کردستان قهرمان ، این دژ سربلند
خلقهای ایران ، آماج حملات وحشیانه ارتش فسد
خلقی و پادشاهان ارتجاع قرار گرفته است . رژیم
جمهوری اسلامی در حالیکه با گلوله ها و خمپاره های
آمریکائی خلق رزمته کرده در هدف قرار داده ، در
بوقیای تبلیغاتی تیش با بیشرمی تمام ادعا میکند که
گویا بر علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه می نماید .
اما اینبار ریزه همچنان که سال قبل ، خلق کرد مصمم
است برای حفظ دستاوردهای قیام و ادامه انقلاب
نیمه تمام خلقهای ایران استوار و نزلزل ناپذیر
مقاومت کرده و دشمن را شکست دهد . به یکی از شاعران
های این خلق قهرمان که روز شنبه ۵۹/۲/۱۳ ضمن
تظا هراتی در محله ها و اطراف بنگه های شهرستان سنج
فریاد میگردند شوجه کنید :

"هر خانه ما یک سنگری ، هر دستمان مسلسلی ،
هر قلبمان نارنجکی ، اگر همه کشته شویم ، خلق مسلح
نمی شویم ."

و اینک خلق کرد با چنین روحیه ای دوشادوش
پیشمرگان قهرمانش شجاعانه می رزمند و حماسه
می آفرینند و در این راه چه بسیار پیشمرگه ها رزمند
کسانی که با شاعران خود ، برچسب جنیتش مقاومت خلق
کرد را سرا فرشته به پیش میبرند . رفیق کریم شریبتی
یکی از این قهرمانان است . او در صف پیشمرگان
"پیکار" در جنبش مقاومت خلق کرد دفاع لانه شرکت
کرد و سرانجام در تاریخ ۵۹/۲/۶ در حالیکه پیشاپیش
پیشمرگانی که جهت پاک کردن ساختمان استانداری
از جردوران بیشروری میگردند ، در حرکت بود ، بسسه
شهادت رسید .

کاک عبدالکریم شریبتی در سال ۱۳۳۴ در شهر با نه
متولد شد . دوران دبیرستان را با کلاس ۱۱ در همین
شهر گذراند و آنگاه از هنرستان مختصات تهران
دبلیوم گرفت و به استخدام شرکت مختصات درآمد .
رفیق شریبتی اگر چه از خانواده مرفهیی بود ، اما
دوران تحصیل کار می کرد و بیدین طریق ارتزاقی
در دوران زحمتگسنان آشنا میشد . این آشنائی در
جهت بخشیدن به شرکت او در مبارزه تا تیر فراوانی
کذاشته بود .

وی در زندگی مبارزاتش ابتدا با حسن زب
دمکرات همکاری میکرد اما بعد مشی چریکی را
پذیرفت و در چارچوب آن علیه رژیم وابسته شاهنشاهی
مبارزه پیرداخت . در جریان قیام پیشمرگه سپهمن ماه
همراه مردم قهرمان ایران در تصرف ساواک سلطنت
آباد ، با دگان عشرت آباد دولکاشتری ۶ فعالان

سخرگا ۱۱۵ اردیبهشت ، یعنی اول ماه مه ، روز
جشن خونین کارگران جهان ، یکی از پیشمرگه های قهرمان
سازمان پیکار در همین آنجا میک ما موریت سازمانی
خون خود را به پیشگاه طبقه کارگر و زحمتگسنان ایران
تقدیم کرد .

رفیق نجم الدین در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده
فنی و تکنیک دست در روستای "مولان آباد" دیده به
جهان گشود . فقیر بی چیزی و تنگدستی از جمله
شرایطی بود که رفیق در آن بزرگ شد . با وجودیکه
وضع مالی خانواده اش بسیار بد بود ، اما پدرش اصرار
داشت که نجم به مدرسه سرود و در حالیکه بعدرسسه
میرفت چوپائی نیز می نمود . پس از پایان دوره
ابتدائی ، کاک نجم برای ادامه تحصیل راهی
شهر سنقر شد ، دورانی که رفیق در این شهر بود ، در
شکل گیری طرز فکر و نقش بسزائی داشت و در اینجا
بود که با مسائل جامعه طبقه آشنائی یافت و راه
مبارزه با ریشه ها و علل آنها را برگزید .

در جریان او و چریکی مبارزات توده ها رفیق در
حرکت های جمعی نظیر تظاهرات ، اعتصابات و تحصن
- ها فعالانه شرکت میکرد . پس از قیام شکوهمند
بهمن ماه کاک نجم به عنوان یکی از اعضای فعال
جمعیت طرفدار زحمتگسنان سقز به ایفای وظایف
انقلابی اش ادامه داد . وی همچنین به عنوان یکی از
عناصر پرتلاش اتحادیه دهقانی منطقه سقز در مبارزات

شرکت جست ، در ۲۸ مرداد سال قبل هنگام پیوستن
و جنبش نه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان جزا و ولین
کسانی بودند که از تهران به کردستان رفت و در سازمان
- دهی تظاهرات مردم مبارز سقز علیه رژیم شرکت
نمود . وی همچنین مدتی در کوهپای اطراف سقز در
جنگ مقاومت ، به مبارزه پرداخت .

آشنائی بیشتر رفیق سربی با زندگی کارگران
و زحمتگسنان او را با انحرافات مشی چریکی آشنا
ساخت . به همین دلیل در باستان ۵۸ ضمن آشناسدن
با نقطه نظرات سازمان پیکار ، با ایمان بسسه
ایدئولوژی طبقه کارگر ، خط مشی چریکی را رد کرد ،
و در پایان ۵۸ با حوزه سقز سازمان تماس برقرار
نمود . صداقت انقلابی ، شایستگی ، کارائی و ...
رفیق سبب شد که سرعت از سطح یک هوادار به کاندید
عضو ارتقا یابد .

او با قلبی پر از عشق به توده ها ، آتی از بسسه
نمی آستاند ، با وجودیکه در ادامه مبارزات کسار

دهقانی منطقه تیلده کوه و تازه آبا دوبا غچه لسه
فعالانه شرکت داشت .

بدنبال یورش وحشیانه رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی به کردستان (در مرداد ماه گذشته) رفیق
نجم الدین در جریان مقاومت قهرمانانه مردم دلاور
سقز شجاعانه جنگید و از مسافع زحمتگسنان در مقابل
امپریالیسم و ارتجاع دفاع نمود . بعد از آن بسا
توجه به علاقه شدید کد نسبت به کارشده های انقلابی
داشت ، عطشی را انتخاب نمود و در ادامه مبارزات
معلم "آبوره ده" روستائی که قبل از رفیق شهیدان سقز
ماجدی معلم آن بود گردید .

با وجودیکه مدت کمی کاک نجم در ده مسئول کار
بود ، اما روستائیان علاقه زیادی به او پیدا کرده
بودند . آنها به وی می گفتند : "تو جای خالی کاک
انور را برای ما پر کرده ای ."

در جریان یورش مجدد ارتش و پادشاهان
کردستان ، رفیق شیخی بعنوان پیشمرگه سازمان
پیکار ، فعالانه به صف جنبش مقاومت خلق کرد پیوست
و در یک ما موریت شانه جهت کمک رساندن بسسه
پیشمرگان مستقر در سقز ، از آنجا که با توجه به
وحشیگری های ارتش ضد خلقی ناچار بودند چراغی
باشینشان را روشن نکنند ، با ماشین رفتاری فدائی
تصادف نموده و طی این تصادف او و یکی از رفقای
فدائی بنام رضا خلیفه زاده شهیدات رسیدند .

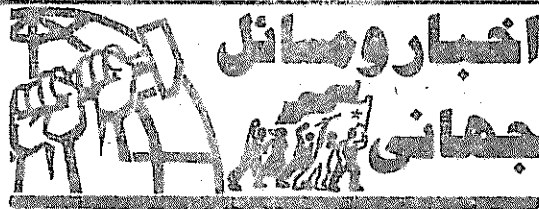
گرامی باد یاد همه شهدای بخون خفته خلق

میکرد و جنبش مسئولیت تشکیلاتی بعهده داشت ، در
نگینائی شهرستان سقز شرکت می جست ، رفیق در
هرفرصی برای مردم سقز سخنرانیهای بسسه
مانندی آفرید و با زبان ساده و موثکافانه از
واقعیات زندگی ، آزما هیت رژیم جمهوری اسلامی
از نظام سرمایه داری وابسته ، از ریشه های امپلی
فقر و فلاکت زحمتگسنان ، و از مبارزه طبقه برای
آنها سخن می گفت .

رفیق به لحاظ شرکت فعالی در تشکیل بنکدها
در محله های فقیرنشین ، بویژه بنکدهای آباد ،
توانسته بود در جلب مردم زحمتگسنان این محلات جنائی
امتی بدست آورد . بطوریکه پس از آنتارخیر شهادت
مردم محله حاجی آباد تازه آبا دوبا سقز او سرود ای
شهیدان را میخواندند .

او بارها و بارها به رفقا میگفت : از هر طریقی
کدمی توانیم با بدرای بسسره آگاهی توده ها با
بفهم در مسله ۱۹

اخباری از مبارزات کارگران و زحمتکشان جهان در اول ماه مه



آلبانی

بمناسبت روز جهانی کارگران در اول ماه مه سال رژه پرشکوهی در جمهوری توده‌ای سوسیالیستی آلبانی برگزار گردید. طبقه کارگران و توده‌های غلبه اول ماه مه را جشن گرفتند تا پیروزی‌های سوسیالیسم و رشد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور را برای س برنام‌های پنج‌ساله به نمایش بگذارند. آنان جشن گرفتند تا بگویند که اگر آلبانی مستقل است و توده‌های آن از دموکراسی توده‌ای برخوردارند و اگر تنها آهنگ رشد اقتصادی آلبانی در سال گذشته در زمینه صنعتی ۱۵/۸ و در زمینه کشاورزی ۱۸/۸ بوده است، این امر نتیجه برقراری سوسیالیسم است. آنان جشن گرفتند تا بگویند که علیرغم محاصره، تهدید و زخمی‌های امپریالیسم آمریکا، سوسیالیسم شوروی، چین و زیونیست و تمام ارتجاع جهانی مصما نه در راه ختمان سوسیالیسم پیش میروند. آنان جشن گرفتند تا یکنبار دیگر همبستگی انترناسیونالیستی خود را با کارگران و زحمتکشان جهان به نمایش بگذارند.

آمریکا

در اول ماه مه زحمتکشان آمریکا طی علیرغم اینکه تظاهرات برای سازمان ارتجاعی "حفظ نظم" ممنوع شده بود، در بسیاری از شهرها به راهپیمایی اعتراضی پرداختند. در این تظاهرات زحمتکشان که در زیر فشار انحصارات غارتگری با شدت طرح در خواستهای خود پرداختند. به علاوه در بسیاری از نقاط، این حرکات اعتراضی و میتینگها به درگیری با نیروهای پلیس امپریالیستی انجامید و عده‌ای از کارگران دستگیر شدند.

ژاپن

روز این بمناسبت اول ماه مه، ۶ میلیون نفر در تظاهرات اعتراضی شرکت کردند و در ۱۱۲۲ شهر و منطقه تظاهرات راهپیمایی و میتینگهایی ترتیب داده شد. ۵۰۰ هزار نفر در میتینگ در تیارک بیودی (U.U.D) در توکیو شرکت کردند و سخنرانان در اعتراض به افزایش هزینه‌های زندگی، بیکاری و تورم و غیره که تمام فشار آن بر دوش کارگران و زحمتکشان است سخن گفتند.

انگلستان

روز اول ماه مه در لندن هزاران تظاهرکننده در خیابانهای لندن به راهپیمایی پرداختند و داده‌های میتینگ برگزار نمودند.

راهپیمایی در اعتراض به دولت بسوزوای چراغان قطع برنامه استقرار موشکهای جدید امریکائی در انگلستان، کاهش هزینه‌های نظامی و کاهش هزینه‌های زندگی بودند.

فرانسه

در اول ماه مه در شهرهای مختلف فرانسه تظاهرات و میتینگهای گوناگونی برگزار شد. در پاریس کارگران و سایر توده‌ها تظاهرات بزرگی برپا کردند.

و نیم است که تحت شرایط دیکتاتور نظامی ادامه دارد. رژیم برزیل که مزدور آمریکاست می‌کوشد تا افزایش خنوت خدا نقلایی، با غیرقانونی دانستن اعتماد، با اشغال سندیکا و اعتماد کنندگان و با دستگیر نمودن عده زیادی از کارگران این مبارزه دلیرانه را در هم شکند. بعنوان نمونه در ۱۶ اردیبهشت ماه پلیس بیک موج حمله وحشیانه‌ای زد که منجر به زخمی شدن ۷۰ کارگر و دستگیری دهها نفر گردید. ولی کارگران همچنان می‌روند.

بقیه از صفحه ۱۲

چهارم ماه ...

جریان خودبخودی مبارزه طبقاتی خواهد بود. با مختلف با تحولات گوناگون خواهد بود. با مختلف با تحولات گوناگون خواهد بود. با مختلف با تحولات گوناگون خواهد بود.

عملکرد مجموعه شرایط فوق، خاصه را بطور احتسابناپذیرسوی یک بحران داخلی و گسیختگی اجتماعی و با ویژگی تندید جنگ داخلی، سوق خواهد داد. مبارزه طبقاتی را در طی یک دوران نابینا چندان طولانی از مسیر بیخ و خا اما در دنیا کسی خواهد گذراند. جنگی که در آن بطور اجتنابناپذیر بخشهایی از توده‌های مردم در برابر سرکشی خواهند کرد. مبارزه واقعی طبقاتی، بر سر تانک داخلی رتد خواهد نمود و از درون آن فرا خواهد روید. اینکاه این دوره چقدر طول بکشد و وجه اصلی را از سر بگذرانند و اینکاه این جنگ داخلی با چه شدت و صحنه‌های درگیری خواهد نمود، قابل پیش بینی نیست. اما یک چیز را میتوان پیش بینی نمود و آن اینکاه اگر حمله بحران کنونی بر سر شرایط ویژه‌ای معبره آنرا، آنچنان است که یک جنگ داخلی و برادرکنی را برجا می‌آورد خواهد کرد. همین حمله و بحران و شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه، با محاسب میکنند که این جنگ داخلی در زمان معینی به یک مبارزه طبقاتی واقعی تمام معیار علیه تمام نیروهای ارتجاعی تبدیل گردد. این جنگ داخلی بر سر بحران کنونی نمینوا ندمت زیادی دوام آورد چرا که در طی همین جنگ روند قطب بندی جامعه و افراط در جناح آنچنان سرعت خواهد گرفت که بزودی نفی خویش را در درون خود خواهد برد و در خط فاصل نیروهای درگیر در مبارزه را به خط فاصل جبهه انقلاب و فدا انقلاب منطبق خواهد کرد.

در شهرهای دیگر افغانستان نیز تظاهرات و تظاهرات مشابهی برگزار شد که توسط نیروهای دولتی مسود هجوم وحشیانه قرار گرفت.

خلق افغان و نیروهای انقلابی آن علیه کلبه دشمنان خود سوسیالیسم امپریالیسم شوروی و رژیم امپریالیسم آمریکا و نیز برای ارتجاعی و فئودالی وابسته به آن مبارزه خود را تا پیروزی ادامه خواهند داد.

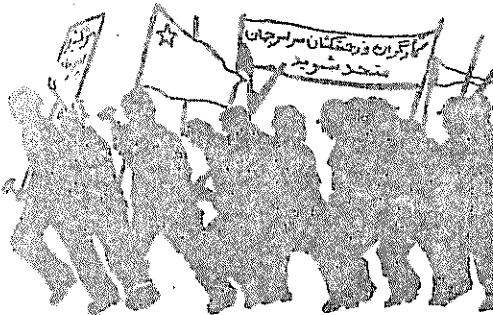
ترکیه

در استانبول تظاهرات عظیمی به مناسبت اول ماه مه برگزار شد و این تظاهرات در شرایطی برپا شد که جشن روز کارگر در ترکیه ممنوع اعلام شده است. رژیم ارتجاعی ترکیه با استفاده از پلیس و تانک و نیروهای سرکوبگر فاشیستی خود سعی در جلوگیری از این تظاهرات کرد که منجر به زخمی شدن و دستگیری عده‌ای از تظاهرکنندگان شد.

برزیل

بمناسبت اول ماه مه در "ساووپولو" بی‌برزیل ۴۰۰۰ فلنگ را اعتمادی و بسیاری از زحمتکشان شهرها میتینگ برگزار نمودند و با طرح خواست خود منتهی برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار و مخالفت با دیکتاتور نظامی، راهپیمایی خود را به نمایش گذاشتند. شرکت کنندگان در میتینگ فریاد میزدند: آزادی - آزادی و "نا بودیا دخفان"، در پاریس میتینگ شرکت کنندگان در خیابانهای تظاهرات مسرات گسترده‌ای را برپا نمودند.

مبارزات کارگران قهرمان فلنگا رحدودیک ماه



بقیه از صفحه ۱

یورش ...

است ، ما زهم بیشتر مفاومت خلق کرد را برانگیخته و با زهم بیشتر دشمنان خلق کرده دشمنان همسه خلقهای ایران هستند ، رسوا ساخته است . آنچه در این روزها در کردستان مشاهده میشود ، درست همان چیزی است که در روزهای قیام در تهران و اکثر شهرهای ایران دیده میشود . همبستگی عمیق بین مردم ، سنگربندی در مقابل پاسداران و ارتش ضد خلقی ، کمک بیدریغ به پیشمرگه های قهرمان ، تلاش بیدریغ برای نجات مجروحان و ... علاوه بر این برگزاری تظاهرات علیه جلادان خلق کرد ، پذیرش آوارگان شهری در آغوش گرم خانواده های روستایی و ... همه و همه تنها از یک چیز حکایت دارند و آن نمایش قدرت لایزال خلق و رسوائی با زهم بیشتر ضد خلقی است . راستی آنچه امروز در کردستان می گذرد ، هیچگاه از خا طره مردم ما بیرون نخواهد رفت ! درآینده همه خلقها خواهند گفت که رژیم جمهوری اسلامی شهرها را با تمام سکنه و بیرو جوان به خمپاره و گلوله بست و حتی بمباران نمود ! کاری که حتی رژیم شاه نیز نکرد ! و خلق کرد عا دلانته مفاومت کرد تا آنجا که با زهم ارتجاع را به شکست و عقب نشینی واداشت !

تاکتیک های سیاسی - نظامی
یورش جدید به کردستان

در تها جم خیر هیئت ها که تلاش کرده است تا از تجربه شکست دفعه قبل خویش و تمام تجارت با میر - با لیبستی فرماندهان ارتش و تیمساران شاهنشاهی چون فلاخی (که در رویتنا مدوره دیده است) و تیمسار باقری (جلاد عشا بیرقارین در زمان شاه) و ... بکما استفاده نماید ، و طبیعی است که در اینجاده بگرماب جان خلق مطرح نیست و تنها چیزی که مطرح است بقبول بنی مدراستقرار احاکمیت جمهوری اسلامی بهر قیمت است که این قیمت در واقع خون مدها شهید و هزاران زخمی خلق کرد است که برای رسیدن به آزادی " سال امنیت " سرسزمین کردستان می ریزد ، و این قیمت در واقع خون هزاران سرباز و درجه دار و افسران جزء ارتش و افرادی که ده سپاه پاسداران است که تا آگام ها نه قربانی مطامع و خواسته های بورژوازی ایران می شوند .

رژیم به این پاسداران و سربازان وعده بهشت می دهد تا آنها با قتل و کشتار خلق کرد جهنم و تعمسی برای این خلق دلاورا بجا دنما بیند ! اما تا کتیک های اساسی که رژیم در جریان یورش اخیر بکار می برد بشرح زیر است :

۱ - هیئت خاکنه تلاش می کند با بزرگ نمودن و غیرقابل حل معرفی کردن اختلافات ایران و عراق بهانه تبلیغاتی و سیاسی عوامقربیا نه ای بسرای کنسار خلق کرد بیشتر شود . رژیم که قصد داشت در " سال امنیت " بهر قیمت که شده جنبش کردستان را سرکوب نماید ، از همان آغاز فروردین ماه برای به اجرا درآوردن برنامه خود دست به تهنقل و انتقالات نظامی زد و دیدیم که در اولین روزهای بهار فاجعه "قلانان" را آفرید و در مقابل در دره فاسلوبا دادن کشته های بسیار مجبور به عقب نشینی گشت ، این برنامه ها که با بیانه "مانورتنظا می صورت می گرفت ، بلافاصله بسا اراوج درگیری های ایران و عراق شکل جدید عوامقربیا نه ای بخود گرفت ، ارتشا اعلام کرده برای استقرار در مرزهای عراق عازم آن نواحی است .

خلق کرده آگامه ترا ز اینها است . رژیم عراق هیچگاه نمی تواند در مرزهای کردستان نیرو مستقر نما ید چرا که نواحی مرزی در دست مبارزین کرد عراقی است ، و اینرا همه کسانی که اندک آشنائی به وضع کردستان ایران و عراق دارند بخوبی می دانند ، بنا بر این هرگونه ادعائی مبنی بر جنگ با عراق در مرزهای کردستان (ایران و عراق) توطئه ای بیش نیست و بهمین لحاظ بود که با اولین اطلاعیه های فرماندهان جنا پتکار ارتش و سپاه پاسداران ، خلق کرد و نیروهای پیشمرگه توطئه جدید را افشا کرده و بلافاصله تصمیم به مفاومت گرفتند ، ارتش که بفرض اگر می خواست در مرزها استقرار یابد می توانست از دیگر اردها خود را به آن برساند ، اکنون حدود ۳ هفته است که در اطراف شهرهای سنندج و سقز و مریوان و بان نه مردم شهرها و روستا ها را گلوله باران و بمباران میکنند . اما این بهانه عوامقربیا نه یعنی " استقرار ارتش در مرزها و جلوگیری از آن توسط کردها ... " هنسوز برای بسیاری از مردم ما قابل فهم و درک نیست ، بهمین جهت رژیم سعی می کند که تنورا اختلافات خود با عراق را همچنان داغ نگه دارد ، بی دلیل نیست که قطب زاده مرتب هرگونه میا نیگیری برای حسل مسائل ایران و عراق را رد می کند و چمران این چهره نشاندار آمریکائی از خط خون بین ایران و عراق صحبت می کند (در نما زجمه ده هفته پیش) و ...

۲ - هدف رژیم در تها جم اخیر خویش به کردستان قبل از اینکه یک هدف نظامی باشد ، هدفی سیاسی است ، بدین معنی که سپاه پاسداران و ارتش نیروی آتش خود را بر روی مردم شهرهای کردستان ، سنندج و سقز و ... متمرکز کرده اند تا بدین وسیله مردم را به ستوه آورند و حما بیت آنها را از پیشمرگه های خلق محدود و سلب نما بیند ، فرماندهان ارتش و چمران که در این مورد تجربه دارند ، درست تا کتیک اسرا شیل در جنوب لبنان را بکار برده اند (اسرا شیل در مرزهای خود با جنوب لبنان برای اینکه حما بیت مردم آن نواحی را از زیر پیکای قهرمان فلسطین قطع نماید ، مدام آن مناطق را گلوله باران و بمباران می کنند) . ارتش حتی از به گلوله بستن اتوبوس های مسافری توسط هلیکوپتر نیز با شئ ندارد (به خبر روزنا مسه اطلاعات ۱۰ اردیبهشت مبنی بر شهادت ۱۱ مسافر یک اتوبوس مسافری توجه کنید) . و این نیز درست همان کار است که اسرا شیل در جنوب لبنان میکند .

۳ - تا کتیک دیگری نیز که ارتش و سپاه پاسداران بکار می برند و در رابطه با همان تا کتیک فوق الذکر می باشد ، گروگان گیری افراد عادی و سردن آنها به با دگان ها می باشد . (هدف از این تا کتیک جلوگیری از حملات متقا بل پیشمرگه های قهرمان به با دگان ها می باشد) این همان چیز است که فرماندهان جنا پتکار ارتش از آن بنا مینا ه آوردن مردم به با دگان ها سخن می گویند ! خبری که حدود ده روز پیش از رادیو تلویزیون مبنی بر پنا هندی عده ای از مردم سنندج بسا پرچم سفید به با دگان ها بخش شد ، در واقع دروغ بی شرمانه ای بخت نبود ، واقعیت این بود که نظا دبسان جمهوری اسلامی مردم یکی از حملات با شگاه افسران و استناداری را جزو بر گروگان گرفته و به با دگان به با دگان بودند تا مانع از حملات متقا بل پیشمرگه ها به با دگان گردند ! آری از نظرا رتن ضد خلقی و پاندا - ران ارتجاع خلق کرد گوشت دم توب بحساب می آید ، اما این تمام حقیقت نیست ، حقیقت دیگر نیروی لایزال و مفاومت دنیرا نه خلق کرد است .

۴ - یورش اخیر بر عکس دفعه قبل سرا سسری و گسترده می باشد ، وعده با دگانهای ارتش در کردستان که در اطراف شهرها مستقرند ، تقریبا در یک زمستان گلوله باران شهرها را (سنندج ، سقز ، مریوان و بانته) را آغا ز نموده اند ، و هنوز آنرا ادامه می دهند ، هدف این حملات ضد مردمی که در آن تلاش شده است سپاه پاسداران نیز در چها رجوب سیستمها مکانات ارتش عمل نما ید ، در کمر کردن خلق کرد و پیشمرگه های قهرمان در تها می جبهه ها و تقسیم قوای آنها میباشد ، هموطنان مبارز !

همانطور که گفتیم خلق کرد در مقابل این یورش سرا سسری و کار برد تا کتیک های جنا پتکارانه ، نظیر گلوله باران و بمباران شهرها و روستا ها و گروگان گیری مردم و ... با تمام قوا مفاومت می کند و هرگز حاضر به تسلیم در مقابل دشمنان خود نیست ، اما خلق کرد در راه میا رزه با دشمنان خود دنیا ز به حما بیت تمامی خلقهای ایران ندارد ، شکی نیست که این حما بیت نه مطلق بلکه نسبی بوده و به شرایط کنونی و سطح آگاهی توده ها بستگی دارد ، برای اینکه راز ما است جنا پتکی که بدستور هیئت ها که می و بدست پاسداران و ارتش ضد خلقی در کردستان انجام می گیرد و با تمام مکانات افشا کرده ، ما هیئت تجا وزگرا نه و ضد خلقی این جنگ تحمیلی از طرف رژیم و ما هیئت عا دلانته مفاومت خلق کرد برای توده ها توضیح داد ، شود ، بخصوص در این زمینه رفتاری هوا دارا زمان وظیفه دارند تا تمامی اخبار و گزارشات مربوط به کردستان را با همگان که در رندتکشیر و در بین توده ها بخش نما بند و وضع سیاسی کردستان را برای توده ها توضیح دهند و حما بیت معنوی و مادی آنها را برفع خلق کرد جلب نما بیند .

بقیه از صفحه ۱۷

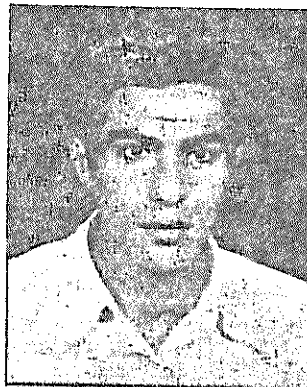
جاودان ...

آنها ارتباط برقرار نما نیم و خود در این زمین به بیشتا زبود ، صداقت انقلابی ، شایستگی ، هوشیاری و جسارت رفیق ، توده ها را بشدت جذب خود میکرد ، چندی پیش هنگامیکه مردم غسور سنندج بعنوان اعتراض به حرکت ستون ارتش در دروازه شهر اجتماع کرده بودند کاک کریم ضمن سخنرانی برای آنها گفت : ما تا آخرین قطره خونمان خوا هیم جنگید و از خلق دلاور کرد دفاع خوا هیم نمود ، به حق که به گفتار وفادارمان بهنگام شهادت رفیق ، یکی از پیشمرگه های قهرمان حزب دمکرات که همسنگرا بود ، چنان متا شده بود که زیر گربا رگلوله و خمپاره و در حالیکه زوی شریف میکرد سلاح و فشنگهای او را بدست سا زمان رساند ، به خون سرخ و به قلب آکنده ز عشقش به آرمسان طبقه کارگرو زحمتکشان سوگند ، سلاحی که کاک کریم بدست داشت هرگز به زمین نخواهد اند ، پیشمرگه ها و زحمتکشان جان برکف کردستان تا آخرین نفس سلاح ها یمان را سردوش خوا هند داشت و هرگز از زه نخواهند داد که خائنین به خلق به دستا وردهای قیام گسه خونبهای هزاران شهید است دست یا بیند .

خاطر هه کاک کریم همچون دیگر قهرمانان شهید زنده است و دریا دخلق خوا همداند ، یادش را گرامی میداریم و راهش را با عزم استوارا دا به میدهم .

گرامی بادیده شهیدای بخون فخته خلق مرگ برامیرا لیبیم و حامان داخلی آن برقرار با د خود بختاری خلقها در جا رجوب ایوانی مستقل و دمکراتیک

اعدام به جرم: وفاداری به آرمان زحمتکشان



برسینه‌ات نشست
زخم عمیق کاری دشمن
اما

ای سرو ایستاده نیانسانی
این رسم توست که ایستاده بمیری
(خسرو گل‌سرخ‌ی)

کارگران! زحمتکشان! مردم مبارز ایران!
دست نوشته، زیرنا مه رفیق احمد مؤذن است به
بدروما درش که در زندان رژیم جمهوری اسلامی نوشته
و مهر شده است، این بنا به نشان بی‌دهکده بر خلاف گفته
رژیم جمهوری اسلامی که ادعا می‌کند، رفقا احمد مؤذن
و مسعود دانیالی را بجرم سخن‌ه‌وواهی "مسئبت‌سین
کشتار دانیالی" اعدام کرده است، آنها را نه بخاطر
ارتکاب جرمی بلکه بخاطر اعتقادشان، بخاطر
وفاداریشان به آرمان کارگران و زحمتکشان اعدام
کرد.

نامه، زیرگذاشته از آنکه نشان دهنده ایمان و
استواری انقلابیون کمونیست به آرمان زحمتکشان
است، بیانگر زبونی ارتجاع در مقابل با اندیشه
و آرمان آنها همست.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی کوردلان تصور
می‌کنند که با اعدام و کشتار انقلابیون کمونیست
خواهند توانست آرمان و راه آنها را که همان آرمان
کارگران و زحمتکشان است نابود کنند. اما زهی
خیال باطل!

ارتجاع با بدیدانند که احمد و مسعود استک جزئی
از زندگی شده اند، آنها اینک جاری حادان در رویش
فردا هستند، فردای سرخ، فردای سوسیالیسم، از خون
احمد و مسعودها هزاران کدو نیست می‌روید و بس
آگاهی از استعمار وستم‌طبقاتی را تا اقصا نقاط این
سرزمین سرخ می‌براکند!

رفقای شهید مسعود و احمد! ولین شهید کمونیست
در رژیم جمهوری اسلامی شویده و آخرین آن نبی
بخواهند بود، خون سرخ این شهیدان تداوم خط‌سرخ
کدبا خون تا صروفیق‌بیا، فواد دمطقی سلطان،

بهمن عزتی وحسن و شهریارنا هید، دکتر رشوند سردای
توماج... ایجاد شده و تا ناودی نظام سرمایه
داری و برقراری سوسیالیسم همچنان ادامه خواهد
یافت، خون این شهیدان اینک با خون شهیدان خلق
کرده ترکمن، عرب، صیادان انزلی، بیگاران اند -
بدشک و درو و هزاران شهید دیگر در آمیخته است و
عاقبت سیلی خروشان خواهد شد و بنیان امپریالیسم
و ارتجاع را درهم خواهد کوبید.

نامه رفیق احمد مؤذن

"پدر، مادر، خواهان، برادران عزیزم:
همگی شما را می‌بوسم، نمی‌دانم چه بنویسم و از
کجا شروع کنم، فقط این را بگویم که مرا هیچ جرمی
در خیابان دستگیر کرده و به اینجا آورده اند، چندبار
با زحوشی کرده اند و چندبار صحنه‌های اعدام نمایشی
ترتیب داده اند بدون اینکه حتی بمن بگویند که

تشییح جنازه رفیق شهید احمد مؤذن

بعد از اعلام خبر تیرباران دوتن از بهترین
فرزندان خلق، مردم مبارز در فلول در مقابل منزل
بیگارگر شهید رفیق احمد مؤذن (از مسئولان دانشجو -
بان هوادار سازمان بیگار) اجتماع کرده و جنایات
بیدا دگا رژیم جمهوری اسلامی را نشاء کردند.
چماقداران حزب جمهوری اسلامی کدرا بنسدا
مانع این تجمع میشدند، با پیوستن بیش از بیست
مردم به اجتماع کنندگان، نگاری از پیش نبرده، محل
را ترک کردند.

در تشییح جنازه رفیق مردم با فادان شعاری
چون، ارتجاع مرگ به نیرنگ تو - خون شهیدان ما
می‌چکد! جنگ تو، شهیدان تنگای راهت ادا ما
دارد. حتی اگر شب و روز سرما گل‌وله باره، "حمله به
دانشگاهها حمله به انقلاب است"، "مؤذن، مؤذن بخون
پاکت قسم، راهت ادا مدها رد"، "حمله به دانشگاه
توطئه ارتجاع علیه زحمتکشان، سنج امپریالیسم"،
این جنایت را محکوم کردند، بعد از رسیدن مفسوف
تنها هر کنندگان بدگورستان محمود آباد در بنسبال
سخنرانی افشاگرانه سرد رفیق شهید یکی از رفقای
احمد، گوشه‌ای از زندگی مبارزاتی او را بیان نمود
و آنگاه جمعیت با گفتن درود گورستان را ترک کرده

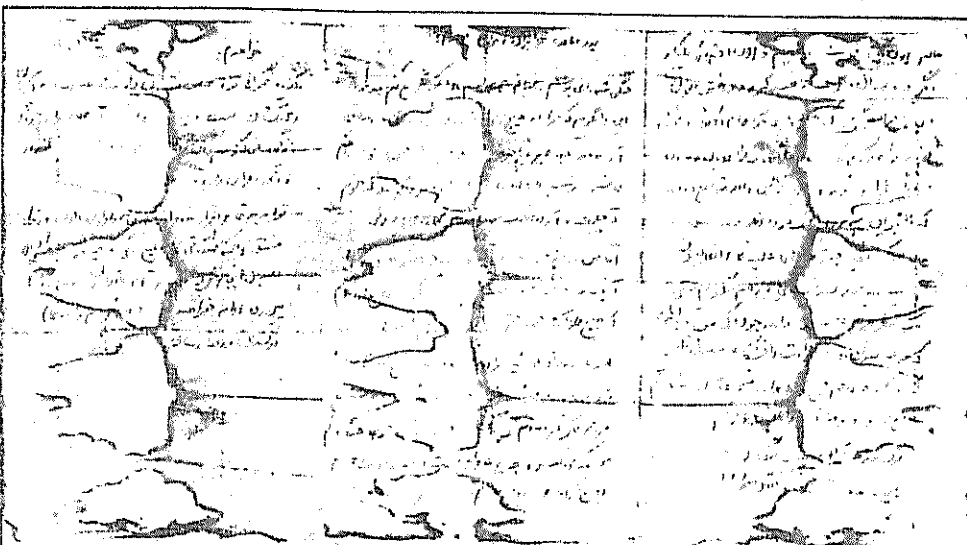
جرم تو چیست، آری اینست مشهور رژیم جمهوری اسلامی!
اما من در با زحوشی ها و در شما حرکتی و عمل کرد
- های اینها آنچه قاطعانه و با شجاعت ایستادگی
کرده و دفاع نموده ام که هیچ مدرک جزئی حتی نتوا -
نسته اند پیدا کنند.

پدر، فرزند تو همیشه برای مردم و در راه منافع
مردم مبارزه کرده است، همیشه منافع خود را کنار
گذاشته و به منافع مردم فکر کرده ام و الان هم فقط مرا
بجرم اعتقاد تم محاکمه می‌کنند و چه بر عظمت اساز
اعتقادات خود دفاع کردن و به منافع مردم خیانت
نکردن.

حالم الان کاملاً خوب و سر حالم و الان احملاً
بیگاری دیگر از مسائل و جواب خواهد کرد و من طبق
معمول اینها را هم گفت که هیچ کاری نکردم و کاملاً
توطئه‌گرانه مرا محاکمه می‌کنند، خائنها شده اند و
بان زیادی حدوداً ۱۶ نفر شهید و بنسبم زخمی و بعد
شایع کرده اند که در دانشجو بان بجرم ملیک کرده اند.

حال آنکه اینها چه توطئه‌ای علیه تمام انقلابیون
ترتیب می‌دهند، نمی‌دانم ولی با زهم میگویم حتی
یک سطر جرم علیه من ندارند و چون که من هم منظور کد
خودت می‌دانی بعد از خودت دانشگاه به منزل تلفن
کرده ام، حالا هم هیچ نگارانی ندارند شجاعانه از
اعتقاد تم دفاع می‌کنم و توطئه آنها را نشاء می‌کنم.

مرک سر توطئه‌گران و سناق انگنسان!
بیروزی دمبارت تمام انقلابیون!
خواهرم:
بگذره نگارانی و ضو صف نشان داد دست خائنها
آرمان زحمتکشان است و با ددا خائنها بی انسان
برای خودش زندگی نمی‌کند، مهم نیست که زندگی
یا مرگش چه تنگی در زندگی دیگران دارد.
تو با بدیدها ما فردا نخواهیم که نسلداری
دا ده فقط عشق و کینه طبقاتی را تبلیغ کنی.
چنانچه هر توطئه‌ای علیه من انجام گردد در کنار
تمام انقلابیون به مبارزه تا بیروزی ادا خواهد
داد، سلام گرم مرا به شما مدوستان و رفقا برسان.
بسرور باشی



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست